

باقتل عام توده‌ایها، ناقوس مرگ انقلاب به صدا درمی آید!

آخرین پرده نمایش شوم قتل عام توده‌ایها، آغاز می‌شود. توحش بی‌حجاب و سبوحیت لجام گسیخته سردمداران ج.ا.ی. به نقطه اوج خود می‌رسد. حاکمیت ج.ا.ی. در تکه‌پوی آنست که این بار نیز جشن سال نوی امپریالیسم را "بی چراغ" نگذارد. به گزارش خبرگزاری‌ها، دفتر دادستانی کل انقلاب اعلام داشته است، "محاکمه" توده‌ای‌های دربند، روز ۱۵ آذر، در دادگاه‌های نظامی آغاز می‌شود تا به "حکمی" که پیش از دستگیری و به هنگام شروع "دو سال کارسیستما تیک جاسوسی" در مورد آنان صادر شده بود، "قانونیت" ببخشد.

اینک بیش از ۹ ماه از یورش خونین و بهیمی ارتجاع حکم بر ج.ا.ی. به حزب توده ایران، این اصل ترین نیروی پشتیبان منافع مردم ایران، می‌گذرد. آنچه در این مدت، بر سر توده‌ای‌هایی که کارنامه زندگیشان، زنج نامه آنهاست، آمده واقعیات تراژیکی است که خشم، انزجار و اعتراض جهانیان را برانگیخته است. اعمال شکنجه‌های وحشیانه سنتی و مدرن، بقیه در صفحه ۲

راه توده

شهرمولان حریت‌طلبان در تلخ از کشور

جمعه ۱۱ آذر ۱۳۶۲ مطابق
۲ دسامبر ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۷۰
پها: ۴۰ ریال

"اتحادیه ضد فاشیستها"، برای چهارمین بار از مقامات ج.ا.ی. خواست قادر "دادگاه‌های"، زندانیان توده‌ای شرکت کند

در صفحه ۱۱

چرخش به راست حاکمیت تثبیت می‌شود!

● دوران "انتقاد منصفانه" مدت‌هاست سپری شده

روند تثبیت چرخش به راست حاکمیت ج.ا.ی.، احیای وابستگی به امپریالیسم جهانی — سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و تحکیم نظام کلان-سرما پداری و بزرگ مالکی وابسته، علیرغم بحران گسترده و عمیقی که میهن انقلابی ما را در بر گرفته است، همچنان به پیش رانده می‌شود.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، که شادمانی خود را از این تحولات پنهان نمی‌دارد، برای تسریع روند مسخ انقلاب، زمینه سازی فرود آوردن ضربه نهایی بر انقلاب، سیاست "چماق و حلوا" را در برابر ج.ا.ی. پیش گرفته است. امپریالیسم آمریکا، در جریان یورش صومالی به نیروهای جبهه جهانی ضد امپریالیستی، در خلیج فارس نیز به آرایش نظامی دست می‌زند. کشتی‌های جنگی آمریکایی در مرزهای آبی میهن ما، چماق امپریالیسم را بالا می‌برند و فرمانده نیروهای واکنش سریع، مردم ما را با صراحت تمام به دخالت نظامی تهدید می‌کند.

از سوی دیگر انحصارات چند ملیتی در ژاپن آلمان فدرال، انگلستان، ایتالیا، آمریکا، مأموریت می‌یابند بازار ایران را از کالاهای امپریالیستی اشباع کنند؛ نیازهای تسلیحاتی جنگ توسعه طلبانه با عراق را برآورده سازند و از پیشرفت های ایران در سایه سیاست های نوین تجید کنند.

زد و بند های پنهان با امپریالیسم آمریکا تا بد انجا پیش می‌رود که رهبر تسلیم شدگان بقیه در صفحه ۶

قلمین حقوق حقه و شرافتمندانه خلق کرد، درگرو سرنوشت انقلاب است!

سخنگویان دولتی و نظامی، هدف از انجام این عملیات را، در کنار حمله به مواضع ارتش عراق در منطقه، "پاکسازی" کردستان از عملیات والفجر ۲ و ۴، از طرف رژیم ج.ا.ی. بقیه در صفحه ۵

این روزها مصادف است با ۲۸-مین سالگرد سرکوب نهضت دموکراتیک و ضد امپریالیستی در کردستان توسط رژیم شاه و همزمان است با عملیات والفجر ۲ و ۴، از طرف رژیم ج.ا.ی.

حزب کمونیست هند، خدمات غرور آفرین "توده‌ایها"، را به امر انقلاب ایران و جهان می‌ستاید!

در صفحه ۴

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

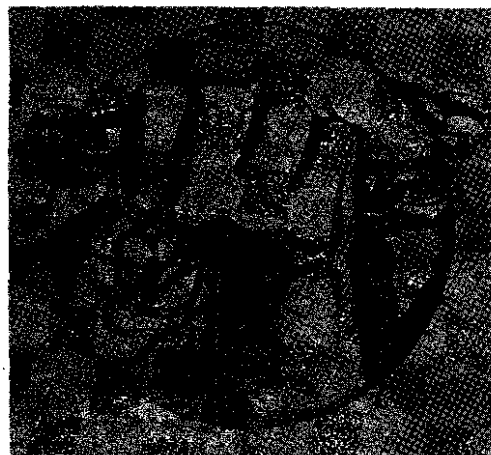
باقتل عام توده ایها، ناقوس مرگ انقلاب به صدا در می آید!

بقیه از صفحه ۱

جسمی و روانی، شوک الکتریکی، داروهای شیمیایی ۰۰۰، استفاده از کابل های سیمی، که میرضیان ج ۰۱۰، خود بر بکار گیری آنها، تحت نام "تعزیر اسلامی" اعتراف کرده اند، تنها گوشه های از قساوت قلب و "عظوفت اسلامی" آنان را می نمایاند.

هفته ها و ماهها در دخمه های تاریک و نمور، بی هوا و روشنائی ماندن، هردم از شب و روز به اطاق "تشتیت" احضار شدن، هفته ها بسته به دست پیگیری خونین و بی جان، در سلول تنگ به سر بردن ۰۰۰ از اجزاء لاینفک برنامه های "ارشادی" ای است که مرشدان "سیا" مروی زندانهای ج ۰۱۰ برای "تهذیب زندانیان" خود تنظیم کرده اند.

توده های های در بند، جلوه دیگری از زیر پا گذاردن حقوق اولیه زندانیان سیاسی و اصول و موازین انسانی و بی اعتنائی به خواست های افکار عمومی ایران و جهان است. در واقع هیچ انسان منصف و با وجدانی در "نمایشی" بودن این "دادگاه" که در محاکم "نظامی" بر پا می شود و "دادخواست" آن، بر پایه هیچگونه دلیل و مدرک مستندی تنظیم نشده و لذا اخالی از اغیار است، بدون حضور نمایندگان بین المللی، خبرنگاران خارجی، وکلای برجسته جهانی و



اکنون، تمامی احزاب، جمعیت ها و محافل دموکراتیک و مترقی بین المللی می دانند که خادمان سرمایه، میرضیان ج ۰۱۰ با بکار گیری چه شیوه ها و وسایلی "شو" های تلویزیونی "اعترافات" را تهیه و پخش کرده اند. بشریت مترقی یکبارچه به این وحشیگری اعتراض می کند.

اکنون همه مردم ایران که خود نیز از زیر سرپوش سر-بین اختناق، به تنگ آمده اند، به خوبی می دانند که جلادان "گمنام" و یا نام ج ۰۱۰ قربانیان خود را زیر شکنجه های وحشیانه به قتل می رسانند و این عمل جنایتکارانه را "خودکشی" می نامند. اکنون همه مردم آزادی خواه ایران و جهان می دانند که دست امپریالیسم و مجموعه حاکمیت ج ۰۱۰ حتی پیش از آغاز محاکمه آنان به خون پاک بسیاری از قهرمانان بی گناه تودها آلوده است.

این واقعیتی است که سازمان های مترقی جهانی، شخصیت های برجسته حقوقی، پزشکان پر اعتبار جهان، بارها و بارها از غاصبان مقامات رهبری و حاکمیت ج ۰۱۰ خواستهایند تا به يك هیأت بی طرف بین المللی مرکب از پزشکان و حقوق دانان برای رسیدگی به وضع زندانیان و بررسی چگونگی کسب این "اقرار" اجازه ورود به ایران داده شود؛ این خواست انسان دوستانه و برحق و موافق موازین بین المللی همچنان بی پاسخ مانده است.

"اگر دست اندرکاران اعمال شکنجه و تعزیر و آمران آنان از محاسبه باکی ندارند، چگونه است که از پذیرفتن چنین هیأت های بی طرفی سرباز می زنند؟" این سوالی است که تمامی مردم ایران و بشریت مترقی از حاکمیت سر-کویگر ایران دارند.

نحوه انتشار خبر دادگاههای فرمایشی برای محاکمه

هیأت منصفه واقعا برگزیده از میان مردم، تشکیل می شود، ذرهای تردید ندارد و همه رای از پیش تعیین و اعلام شده آن را محکوم می کنند.

قتل عام خونینی که ارتجاع حاکم برج ۰۱۰، مقدمات انجام آن را تدارک می بیند، تنها چهره کریه و خونخوار سرکویگران ج ۰۱۰ را، هر چه روشن تر، آشکار نمی سازد؛ این قصابی بربرمنشانه، تنها پیکر و جان های پاک توده های ها "را شقه شقه نمی کند؛ تنبها "زندگی" سراسر مبارزه و رنج این انسان های شریف را به خاک نمی سپرد؛ این ناقوس مرگ انقلاب است که به صدا در می آید. مجموعه حاکمیت ج ۰۱۰ به خوبی می دانند که با سلاخی "توده های ها"، حکم اعدام انقلاب را صادر می کنند. آنان می دانند و در مراحل اجرای "رهنمود های برژینسکی، به خوبی آموخته اند که برای تدفین آماجهای استقلال - طلبانه، آزادی خواهانه و عدالت جویانه انقلاب، ابتدا باید قلب توده های را متلاشی کرد.

هم از این روست که زحمتکشان محروم ایران و تمامی بشریت مترقی، احزاب و جمعیت های دموکراتیک بین المللی و شخصیت های برجسته حقوقی علاقمند به سرنوشت انقلاب ایران، بانگ اعتراض خود را علیه این تشبثات، هرطنین تر می سازند و برخاست شرکت حقیق - دانان و وکلای مترقی جهانی در این "دادگاه" پای می فشرند.

یام حزب کمونیست هند به کمیته مرکزی حزب توده ایران، به مناسبت ۲۲مین سال تشکیل حزب توده ایران

حزب کمونیست هند، خدمات غرور آفرین "توده ایها"، رایه امر انقلاب ایران و جهان می ستاید!

دوستی دیر پا میان دو حزب راتازه تر می کنیم حزب شما همواره، و به طور خلل ناپذیری پرچم مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری را برافراشته نگاه داشته است.

اسلام همبستگی ما را با مبارزات خود پیذ برید. ما برای شما در مبارزه های که در پیش دارید موفقیت آرزو می کنیم.

- زنده باد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونال - لیسم پرولتری
- زنده باد حزب توده ایران

رفقای عزیز، خوشحالیم که حزب توده ایران، چهل و دومین سال خدمت غرور آمیز خود را به امر انقلاب ایران و جهان پشت سر گذاشت.

کمونیستها، مردم مترقی هند، فعالیت های شما را در جهت طرد نیروهای خرابکار از انقلاب مردمی - ضد امپریالیستی - ضد آمریکائی ایران که خشم آنان را سبب شده و موجی از سرکوب علیه شما را در پی داشته، دقیقاً دنبال می کنند. من، با ما موریت از جانب شورای ملی حزب کمونیست هند و به نام خود، از این فرصت استفاده می کنم و به شما به خاطر پایداری و بی گیری تان و تحمل سختیهای این شرایط دشوار درود می فرستیم. مبارزات شما و شهادتی که تحمل می کنید، فصل روح بخش نوینی در جنبش جهانی کارگری گشوده است.

ما بسیار خرسندیم که پیوند های برادرانه

با درود های رفیقانه
ن. ک. ک. کرشنان
دبیر شورای مرکزی و عضو هیأت اجراییه حزب کمونیست هند

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

اظهاریه رفیق یوری آندرویف:

هدف ما، تامین صلح برای نسل کنونی و نسلهای آینده است!

در هفته گذشته، پارلمان آلمان فدرال به استقرار موشکهای میان برد آمریکائی، پرتشنگ ۲ و کروزرهای داد - در پی این تصمیم، قطعاتی از این سلاحها به آلمان فدرال وارد شد تا مقدمات استقرار آنها در مناطق تعیین شده آماده کرده هم زمان با این تدارک در آلمان فدرال مقدمات استقرار موشکهای پرتشنگ ۲ و کروزر در انگلستان و ایتالیا نیز آغاز گشت. این اقدامات کشورهای ناتو، اتحاد شوروی را مجبور می سازد تا به عمل متقابل دست زند و برتری هستهای ایجاد شده را بر طرف ساخته و موازنه را از نو برقرار نماید.

رفیق یوری آندرویف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در بیانیه ای که بدین مناسبت صادر کرد، مواضع اتحاد شوروی را پیرامون این امر خطر بیسان داشت.

رفیق آندرویف در بیانیه خود اظهار داشته است:

" رهبری اتحاد شوروی ارزیابی خود را پیرامون سنگبری نظامی دولت کنونی آمریکا به اطلاع مردم اتحاد شوروی و دیگر خلقهای جهان رسانده و در باره مواضع خطرناک چنین سنگبریهای دولت های آمریکا و کشورهای غربی که با آمریکا مشترکاً عمل می کنند هشدار داده است. اما واشنگتن، لندن، بن و رم به این صدای خرد گوش فرادادند و کار استقرار مین موشکها در کشورهای آلمان فدرال، بریتانیای کبیر و ایتالیا آغاز شده است. بدین ترتیب مسئله ظهور موشکهای آمریکائی پرتشنگ و کروزر در قاره اروپا به واقعیتی کامل بدل شده است.

بیش از چهار سال است که اروپا در شرایط صلح بسر می برد و این طولانی ترین زمان صلح در تاریخ نوین جهان است. این امر تنها با پی گیری سیاست صلح جویانه، جامعه کشور های سوسیالیستی، کوشش های نیروهای صلح - دوست قاره، و همچنین مواضع واقع بینانه سیاستمداران روشن بین در غرب ممکن شده است.

تغییر تناسب نیروهای نظامی و حفظ تعادل بین آنها که در اروپا نیز در عرصه سلاحهای هستهای، میان کشورهای ناتو و پیمان ورشو ایجاد شده بود، به طور عینی، به امنیت و ثبات در اروپا خدمت می کرد. اما اکنون آمریکا و ناتو در کل، دست به اقدامی می زنند تا کفه ترازو را به سود خود سنگین تر کنند. استقرار موشکهای هستهای در نزدیکی مرزهای اتحاد شوروی و هم پیمانان آن، به امر دفاع از ارضای

غربی هیچ ککی نمی رساند؛ (زیرا) هیچ کس ارضای غربی را تهدید نمی کند. استقرار موشک های آمریکائی در خاک اروپا، نه تنها امنیت این قاره را تأمین نمی کند، بلکه خطر واقعی آنکس آمریکائی، مخلصهای اروپا را به یک فاجعه بکشانند افزایش می دهد.

اراضی ایالات متحده آمریکا، در دو جنگ جهانی گذشته از آتش خرابیها در امان ماند. واشنگتن این خیال را در سردار که با استقرار موشک های میان برد خود در اروپا و تهدید هر چه بیشتر کشورهای سوسیالیستی با سلاح های هستهای موفق خواهد شد، صریحاً تلافی جویانه (ما) را از خانه خود دور بدارد.

رفیق آندرویف در ادامه بیانیه خود افزوده است:

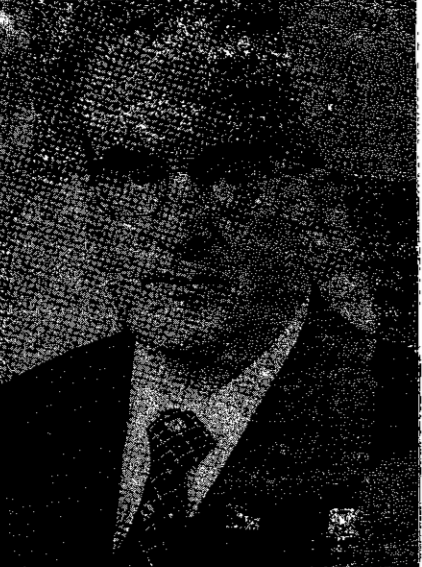
" با در نظر گرفتن این حقایق، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نمی توانند این واقعیت را نادیده بگیرند که واشنگتن علیه سو - سیالیسم، به عنوان یک نظام اجتماعی اسلام جنگ صلیبی داده است. (در واقع) کسانی که استقرار سلاحهای جدید هستهای را جلوی در خانه ما مستقر داشته اند، سیاست عملی خود را بر چار چوب این فکر دیوانوار بنا می کنند.

آیا اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سو - سیالیستی می توانند این خطر را نادیده بگیرند؟ به این دلیل نیز، نمایندگان مالی برتیه حزبی و دولتی هفت کشور سوسیالیستی همین گردهم آیی خود در مسکو که به تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۸۳ انجام گرفت، اعلام داشتند تحت هیچ شرایطی برتری نظامی بلوک ناتو، بر کشورهای پیمان ورشو را اجازه نخواهند داد.

رفیق آندرویف در ادامه بیانیه خود پس از اشاره به مذاکرات ونو و عدم موفقیت آن، که تنها به علت خرابکاری های واشنگتن به شکست انجامید، خاطر نشان ساخت:

" رهبری اتحاد شوروی، با دقت تمام وضع ایجاد شده را بررسی و تصمیمات زیرین را اتخاذ کرده است:

- ۱- اتحاد شوروی، شرکت در مذاکرات ونو را که متضمن هیچ معناتی نیست غیر ممکن می شمارد.
- ۲- موازاتاً در دربار موشک های اس. اس. ۲۰ لغو می کند.
- ۳- تدارک مقدمات استقرار موشک های متعارفی - عملیاتی را در جمهوری دمکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی تشدید می کند.
- ۴- سیستمهای همانندی در مناطقی اقیانوسی و دریاها مستقر خواهد کرد. این



سیستم ها، برای آمریکا متضمن همان خطری است که موشکهای ناتو، برای اتحاد شوروی وجود آورد مانند.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است:

" اتحاد شوروی موکداً، تصریح می کند که سنگبری خود مبنی بر قطع مسابقه تسلیحاتی، قبل از همه مسابقه هستهای، کاهش و بالاخره نابودی کامل خطر جنگ هستهای وفاداری مانده و در آینده، تمام توان خود را برای تحقق این اهداف به کار خواهد بست.

رفیق آندرویف اظهار داشته است:

" ما امروز در دنیای صلح ناپایداری زندگی می کنیم. به این دلیل دولت مردان مسئول، باید موقعیت را بسنجند و تصمیمات معقولی اتخاذ کنند. تنها خرد انسانی می تواند بشریت را از خطری که او را تهدید می کند در امان نگه دارد.

" اتحاد شوروی معتقد است صلح و امنیت خلق ها با تجمع و تکامل سلاحهای جدید، تضمین و تحکیم نخواهند شد. این امر تنها از طریق کاهش تعداد این سلاحها تا حد بسیار قابل ممکن است. بشریت وظایف و مسئولیت های زیادی دارد که به علت عدم استفاده از تمام ثروت های مادی و معنوی هنگفت و سایر ثروت ها لاینحل باقی مانده است.

رفیق آندرویف در پایان بیانیه خود به مردم شوروی اطمینان داده است:

" رهبری اتحاد شوروی اعلام می کند به خاطر جاهل عمل پوشاندن به اراده خلق شوروی، در آینده نیز به هر اقدامی دست خواهد زد تا خطر جنگ را دفع کرده و صلح را برای نسل کنونی و نسلهای آینده تأمین کند.

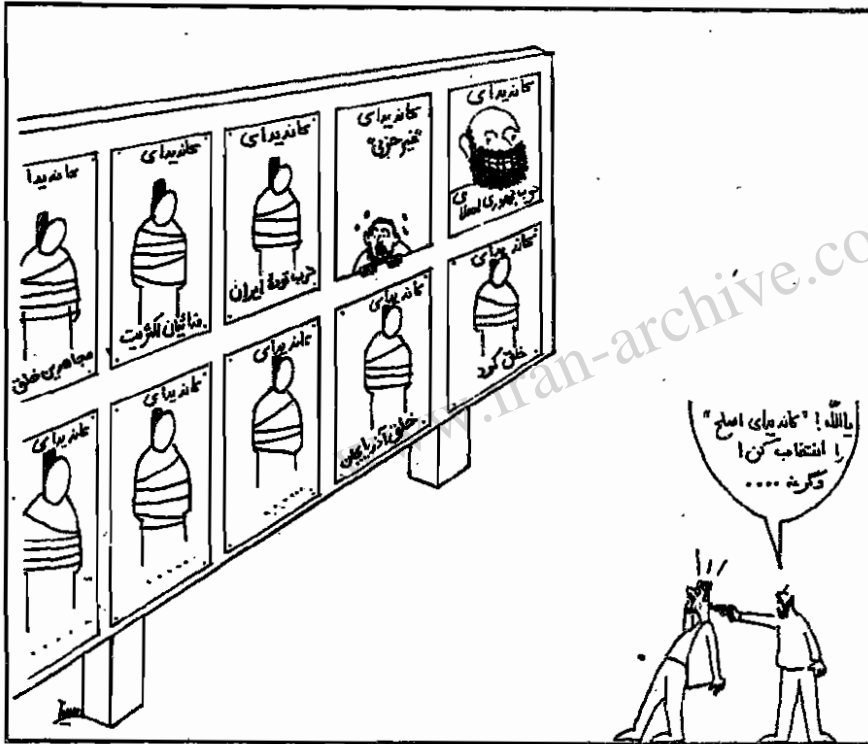
بخاطر صلح، در راه زندگی، علیه جنگ هسته ای

حق رای بدون حق انتخاب!

است : هم هنگام نامزد شدن و هم موقع اجرای وظایف نمایندگی .
شایان دقت است توصیه‌هایی از آن دست که در بالا متذکر شدیم ، طی دیدار با "ائمه" جمعه مراکز استانهای سراسر کشور " ارائه می-شود و نه به صورتی که روی سخن بارای دهندگان و مردم ایران باشد . این امر تصادفی نیست . آنان خود به خوبی می‌دانند که در ج ۱۰۱۰ مردم در تعیین و گزینش نمایندگان خویش نقشی ندارند بلکه فقط " حق " رأی دادن به کسانی را دارند که از هفت‌خوان دستگاههای تفتیش عقاید گذشته باشند . حاکمیت برای انتخاب - کنندگان و مردم آنقدر عقل و درایت قابل نیست که خود بتوانند منافع خویش و صلاحیت نامزد

سازند . کافست يك نفر در شورای نگهبان یا مجلس یگویی که هسر یا دختر فلان کس بدون حجاب بوده یا روزه خوردن بهمان را دیده و یا نماز خواندنش را ندیده ، تا او از فهرست " انسان " ها خارج شود : اما دانشمندان و کارشناسان در رشته‌های گوناگون علمی ، فنی ، اجتماعی و اقتصادی ، یعنی اکثر استادان و دبیران ، پزشکان ، مهندسان ، ... و غیره از این زمره‌اند . بدین جهت طبیعی است اگر نه تنها دستگاه‌های اداری و آموزشی ، بلکه مجلس نیز از نیروهای کاردان و مغزهای قیاس بر سه اندیشیدن و یافتن راه حل های مناسب برای محضلات کشور خالی شده باشد . این را دیگر حاکمیت هم نمی‌تواند انکار کند!

بازار انتخابات در ج ۱۰۱۰ کم کم گرم می - شود . از زبان رهبران طراز اول در روزنامه‌ها می‌نویسند که " مسئله انتخابات آینده از اهم امور است " .
حاکمیت ج ۱۰۱۰ مردم ایران را به چهارقره " مذهبی تقسیم کرده است : مسلمان ، یهودی ، مسیحی و زردشتی . اما نباید چنین پنداشت که هر مسلمانی یا هر مسیحی‌ای حق انتخاب شدن دارد . مسلمان به شرطی از " پسل صراط " شورای نگهبان خواهد گذشت که او لا شیعه ، دوازده امامی باشد و ثانیاً منکر ولایت فقیه نباشد . شاید از حدود " یک میلییارد " مسلمان دنیا تنها ده - پانزده میلیون تن در این قالب تنگ بگنجند . تمام فرقه‌های سنی و همچنین انواع شیعه و جریانهای اسلامی زمان معاصر ، نظیر مجاهدین خلق ، نهضت مجاهدین که کوشیده باشند تا تعالیم اسلامی را بر شرایط دنیای معاصر منطبق کنند از حقوق اجتماعی محرومند . برای مسیحی‌های ایرانی ، علامت نوادی هم شرط است ، یعنی باید ارمنی باشند . ایرانی مسیحی شده " حق انتخاب کردن و انتخاب شدن ندارد . برای یهودی ها هم وضع به همین مهوال است . هر کس که نوادش از قوم بنی اسرائیل باشد ، اگر مراسم مذهبی خود را بجا آورد و به تورات سوگند بخورد ، اجتماعاً - تواند رأی هم بدهد ! برای بقیه ادیان و فرقه های مذهبی که در ایران از زمان قدیم وجود داشته‌اند و دارند حاکمیت اسلامی هیچگونه حق اجتماعی قائل نیست .



های انتخاباتی را تشخیص دهند . مردم تنها به کسانی می‌توانند رأی بدهند که امام جمعه محل ، امام جمعه مراکز استانها و از همه مهمتر شورای نگهبان آنان را برگزیده و تأیید کرده باشد . دستگاه پلیسی " تشخیص صلاحیت " ج ۱۰۱۰ کاملاً " هوشیار " و " بیدار " است تا مبادا يك غیر " مکتبی " به مجلس راه یابد . اما تجربه تلخ چهار سال گذشته ، به ویژه به هنگام انتخابات میان دوره‌ای نشان داده است که امامان جمعه و جعاعت و نیز اعضای شورای نگهبان ، اصولاً اجازه نمی‌دهند " افراد با کفایت و متخصص " و کسانی که " احتیاجات مملکت " را می‌شناسند در انتخابات شرکت کنند و در معرض داوری رأی دهندگان قرار گیرند . هر کس که کوچکترین " فشی " در اعتقادات " مکتبی " اش وجود داشته باشد ، صرف نظر از دیگر جوانب مثبتش ، از نامزدی انتخابات بقیه در صفحه ۷

گاه در " بیانات " و " فرمایشات " این و آن دولت در ج ۱۰۱۰ ، برای خالی نبودن مریضه گوشزد می‌شود که نمایندگان " انتخابی " باید " صالح به مصالح و مفاسد کشور باشند " یا " در مسائل سیاسی و انقلابی ضعیف نباشند " . ولی باید گفت که بسیاری از نمایندگان کنونی ، که در واقع برگزیدگان شورای نگهبان هستند نه تنها ضعیف و ناآگاهند بلکه افراد " خوسی " هم نیستند . علاوه بر این حاکمیت اسلامی ، بر خلاف قانون اساسی مجلس را ارگانی مسلوب - الاختیار قرار داده و به صورت زائده " یك ارگان غیر انتخابی ، یعنی شورای نگهبان در آورده است . مجلس برای تصویب " قوانین باید قبلاً نظر موافق شورای نگهبان را جلب کند ، به طوری که در حساب آخر ، شورای نگهبان - این مجلس سنای حاکمیت اسلامی - از دو سو نمایندگان مردم را در میان مکنه گذاشته

به جز در جمهوری آفریقای جنوبی که رنگ پوست و نژاد و اسرائیل که اعتقاد به دین یهود ، شرط " انسان به حساب آمدن " است ، تنها در نظام اجتماعی عقب مانده لبنان است که می-توان چیزی شبیه این تقسیم بندی اهالی را از نقطه نظر مذهبی - نژادی مشاهده کرد . در لبنان رئیس جمهور باید مسیحی مارونی ، نخست وزیر مسلمان سنی و رئیس مجلس مسلمان شیعه باشد و بقیه اقلیت های مذهبی و نژادی لبنان " سهمیه " معینی را برای اعزام نماینده به مجلس در اختیار دارند .
در ج ۱۰۱۰ محدودیت ها از این هم بیشتر وضع اجتماعی باز هم اسفناک تر است . زیرا اقل در آفریقای جنوبی و اسرائیل و لبنان ، انش آموزان و دانشجویان را از فریال تفتیش قاید نمی‌گذرانند و آنانرا از دبیرستان و دانشگاه بیرون نمی‌اندازند ؛ و زنان " حق " پیش از فت و آمد از آسبیزخانه به اطاق خواب در اختیار آرند! ...
واقعیت اینست که سردمداران ج ۱۰۱۰ به نام جلس شورا ، انگ اسلامی زده اند تا قشر سرد های از دانشمندان و روشنفکران ایرانی را که مانند دیگر همکاران خود در سایر کشور های جهان ، پای بندی خاصی به اجرای مراسم هیی ندارند - از حق انتخاب شدن محروم

تامین حقوق حقه و شرافتمندانه خلق کرد، درگرو سرنوشت انقلاب است!

بقیه از صفحه ۱

عوامل "ضد انقلاب" و برافراشتن پرچم "ج ۱۰" در این منطقه اعلام کرده اند. چنانکه از شواهد و قرائن بر می آید لبه تینز حملات نیروهای نظامی ج ۱۰ در این صلیبات متوجه شهرها و روستاهای کردستان که در جوار مرزهای فراق قرار دارند بوده است. از تمام سرو صداها و ادعاهای مبنی بر پیروزی در این عملیات و درهم شکستن مواضع ضد انقلابیون، در این منطقه - اگر منطبق با واقعیات باشند - می توان به آسانی حدس زد که کسب این "پیروزی"، به بهای سنگین مرگ و بی خانمانی هزاران تن از زحمتکشان خلق کرده مدتها دهقانان محروم سرزمین رنج دیده کردستان، بدست آمده است. شهرها و روستاهای کردستان، صحنه درگیریهای مرگباری است. قربانیان این کشمکش خونین مردم محرومی هستند که بیش از ۴ سال است از زمین و آسمان بر آنان گلوله های تیر و توپ و موشک می بارد. اکنون دیگر روشن شده است، که نصیب این مردم، از چنین جنگ غیر ضرور و هستی سوز جز کشتار و آوارگی و زجر چیز دیگری نبوده است. شعله جنگ در کردستان چند هفته پس از پیروزی انقلاب روشن شد و به سرعت به یکی از مسائل حاد مبتلا به جامعه ما بدل گردید. آغاز این درگیری خونین، هنگامی که بیش از هر زمان دیگر، وحدت نیروهای ضد امپریالیستی - یک ضرورت بنیادی برای انقلاب بوده، لطمات جدی و فراوانی به روند زرفش انقلاب وارد آورد.

در آن هنگام امپریالیسم و همه متحدان داخلی آن درصدد بودند، با تشبیه به هر دستاویزی مبارزات مردم میهن ما، علیه امپریالیسم را به مبارزات میان صفوف مردم بسدل کنند و با ایجاد دامن زدن به جنگ های داخلی، وحدت خلق ها و زحمتکشان میهن مان را خدشه دار سازند. محافل جنگ افروز نام از غارتگران داخلی و راستگرایان در حاکمیت ج ۱۰ نیز از همان ابتدا با نادیده انگاشتن حقوق عادلانه و طبیعی خلق های ایران، از جمله خلق کردها، سیاست های سرکوبگرانه و جنگ طلبانه زمینه لازم را جهت گسترش دامنه مناقشات و تبدیل آن به سدی در مقابل پیشرفت انقلاب فراهم آوردند. سیاستی که تماما در راستای خواسته های امپریالیسم و ضد انقلاب سیر می کرد. اعزام نیروهای ارتش و سپاه پاسداران، جهت سرکوب خونین حق خود مختاری خلق کرد در ایران واحد و آزاد شده از بند های امپریالیسم و ارتجاع سلطنتی، محاصره اقتصادی و جلوگیری از ورود هرگونه ما به محتاج عمومی به سرزمین کردستان و تبلیغات مسموم کننده در رابطه با مسئله ملیت ها، و به ویژه خلق کرد، نمونه این سیاست امپریالیسم پسندانه حاکمیت بوده و هست.

به رغم تلاش های همه سویه نیروهای انقلابی کرد و دیگر احزاب و سازمانهای انقلابی، از جمله حزب توده، ایران، برای رفع و حل مسأله آمیز مسئله کردستان، به سود انقلاب مردمی ایران، به سود حقوق حقه خلق کرد مبنی بر خود مختاری و رفع ستم اجتماعی و ملی، حاکمیت ج ۱۰ بر سیاست سرکوب خونین و حل نظامی مسئله کردستان پافشاری کرد و به آن ادامه داد. شمره این چهار سال جنگ خونین در این منطقه، جز هزاران کشته و زخمی و هزاران خانه، روستا و شهر ویران چیز دیگری نیست.

اماد سنگاهای تبلیغاتی ج ۱۰، از مطلب به کلی دیگری سخن می گویند؛ از ادعاهای دروغین "کرد خواهی"، از رسیدگی به وضع "خلق مسلمان کرد"، از تأمین خواسته ها و نیازهای آنان، از ساختن جاده، حمام، مدرسه و... ولی چه کسی باور دارد، که در این عقب ننگ داشته ترین مناطق ایران، چنین اقدامات "عمرانی و سازندگی" صورت گرفته باشد! واقعیت اینست که پس از انقلاب کردستان و خلق کرد، بیش از هر زمان دیگر با فقر و محرومیت و ناپساامانی و خرابی و ویرانی دست به گریبان بوده است.

خواسته های خلق کرد برحق و شرافتمندانه است!

خلق کردها، که همراه دیگر خلق های ایران انتظار ریشه کن شدن مناسبات ستم شاهی را پس از انقلاب در تمام ایحاد آن داشتند و در آرزوی گشوده شدن دروازه های آزادی و عدالت به روی خود بودند با پاسخی به کلی متفاوت روبرو شد؛ نخستین "جمهوری" ایران، کفنه بایست برای اولین بار در تاریخ این کشور، بیوغ ستم ملی را از گردن این خلق ستمدیده بگسلد، جز سرکوب خونین، آوارگی، ویرانی و مرگ چیز دیگری برای این خلق به ارمغان نیاورد.

این که برپایی هر گونه حکومت خود مختار، در چار چوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، پسند ارتجاع و امپریالیسم نبود ما است، مطلب تازه ای نیست. خلق محروم کردستان، هم در زمان سرکوب بی رحمانه نهضت ملی - دمکراتیک خود به دست عوامل رژیم شاه و هم اکنون که مورد تاخت و تاز و ویرش امپریالیسم و ارتجاع قرار دارند گفتند و می گویند:

"ما خواستار حقوق ملی خویش در چار چوب کشور واحد خود ایرانییم. ما از انقلاب بزرگ میهنمان، که در راهش قربانیهای بسیجیاری دادیم، انتظار داریم به این خواسته های مشروع و عادلانه ترتیب اثر دهد. ما خواستار از بین رفتن فقر و محرومیت و عقب ماندگی هستیم. ما می خواهیم، که حیثیت انسانی ما خدشه دار نگردد. می خواهیم این حق طبیعی

به ما داده شود، که از خود مختاری اداری و فرهنگی برخوردار گردیم". اما این خواسته های عادلانه، پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ نیز درگیر و در توطئه های امپریالیسم و ارتجاع به جنگ خونینی علیه خلق کرد انجامید و به سد بزرگی در راه حل و عملی ساختن یکی از بزرگترین وظایف انقلاب، یعنی مسئله ملیت های ساکن ایران و همچنین به تقویت و تثبیت سیاست ضد دمکراتیک در حاکمیت ج ۱۰ بدل شد.

در مقابل خواسته های مرفعی میهن دوست حاکمیت ج ۱۰ گرایش بی گیر خویش را به استفاده از راه حل نظامی برای "حل مسئله ملی" و سرکوب خلق کرد به نمایش گذارده است.

حزب توده، ایران پارها تأکید کرده است که "مسئله کردستان، مسئله ای است اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی و قبل از همه سیاسی. مسئله خلق ستمدیده و محرومی است، که حق دارد خواهان رهایی از ستم ملی باشد و بدون رفع ستم اجتماعی و ستم ملی راه آزادی و سعادت و ترقی به روی او باز نخواهد شد" (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده، ایران، مردم شماره ۷۴ سال ۱۳۵۸).

از این تجربیات تلخ، جز تلاش همه جانبه برای همسو و هماهنگ کردن مبارزه برای حل مسئله ملی در کردستان، با مبارزه خلق های ایران، در راه نجات انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران از شکست نهایی، درس دیگری نمی توان و نباید گرفت.

امروز حاکمیت ج ۱۰ با چرخش همه جانبه به راست، دروازه های کشور را به روی امپریالیسم جهانی گشوده است. سیاست سرکوب در مقابل مردم زحمتکش کردستان را به سراسر ایران تعمیم داده است و هستی انقلاب را به ورطه شکست و نابودی کشانده است. در چنین شرایطی، حل واقعی مسئله ملی در جهت احقاق حقوق حقه و شرافتمندانه خلق کرد و دیگر خلق های میهن ما مبنی بر حق برخورداری از خود - مختاری در سرزمین مشترک همه خلق های ایران، بیش از هر روز با سرنوشت انقلاب توأم شده است. این عواقب شوم، بار دیگر صحت این اصل اساسی سیاست حزب توده، ایران، در باره مسئله ملی را تأیید می کند که "حل مسئله ملی در میهن ما، با پیروزی انقلاب ملی و دمکراتیک ایران پیوند تنگاتنگ دارد".

از این رو وظیفه تمام انقلابیون راستین و ضد امپریالیست و میهن دوستان واقعی اینست، که با برپایی جبهه متحد خلق، شرط ضروری نجات انقلاب و اجرای اهداف آن را فراهم سازند.

چرخش به راست حاکمیت تثبیت می شود!

● دوران "انتقاد منصفانه" مدت‌هاست سپری شده

بقیه از صفحه ۱

حاکمیت آقای خامنه‌ای، در مصاحبه مطبوعاتی بین‌المللی، در لحظاتی که چماق دخالت نظامی امپریالیسم هار و متجاوز آمریکا بالای سرماست، با اعتماد به نفس تمام دخالت نظامی امپریالیسم در ایران را "بعید" و "غیرمحتفل" ارزیابی می‌کند، و از "پختگی" و درایت آمریکائیه‌ها سخن می‌گوید. (راه توده - شماره ۶۸)

آمریکائیه‌ها، برای اثبات صحت ارزیابی‌های رئیس‌جمهور و پیشبرد خط تسلیم‌شدگان در حاکمیت آمادگی کافی دارند. هفته بعد هواپیماهای آمریکایی در بمباران بعلبک که طی آن (پاسنلر ایرانی کشته شدند، شرکت نمی‌کنند، عملیات، آشکارا با رهبری سیاسی و هماهنگی نظامی نیروهای آمریکایی و به تلافی کشته شدن صدها تن از اشغالگران لبنان که اکثر آنان تفنگسداران دریایی آمریکا هستند صورت گرفته است. ۱۰۰ تنبیه می‌شود، اما با ظرافتی که اعتبار تسلیم‌شدگان کمتر مخدوش گردد و مزه "حلوا" ضایع نشود.

این رسوایی سیاسی تا آنجا با مخالفت گسترده مردمی روبروست، که در نبال‌های سازش‌نیز ناگزیرند از آن تیسری بچینند. آیت‌الله جنتی می‌گوید:

"شما خیال می‌کنید با ماهیت آمریکا آشنا شد‌اید. آمریکا یک عنصر خطرناکی در جهان است. جنایت‌هایی می‌کند که باور کردن نیست. امروز جز برخورد قاطع با آمریکا و دیگر قدرت‌های استعماری هیچ راهی برای مستضعفین نیست."

آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران می‌گوید:

"بسیار محتمل است که تجاوزگران بین-

المللی، دست به یک ماجراجویی در خلیج فارس و اطراف ما بزنند، و یک دیوانگی و ریسک کنند. ما برای چنین روزی باید آماده بشویم. اگر آنها هم به سراغ ما نیایند، ما باید سراغ آنها برویم." (راد یو ایران - ۴ آذر ۶۲)

اما آنان به مردم نمی‌گویند آمریکائیه‌ها در ویش انحصارات چند ملیتی مدت‌هاست که ه سراغ ما آمد‌ه‌اند، به مردم نمی‌گویند که دست امریکائیه‌ها در آستین اسرائیل و فرانسه، سداران ایرانی را به خون کشیده است. آنان، ویژه از کنار این واقعیت که استرگاریان و تسلیم‌دگان و از جمله رئیس‌جمهور و رئیس شورای ملی دفاع کشور، رهبری سازش با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را به عهده آرند، می‌گذرند. نتیجه آنست که در پشت سر می‌کوبند که با این مخالفت خوانی‌های سازشکارانه فریبنده سرگرم می‌شوند، سازش با امپریالیسم ریکا بیش از پیش تثبیت می‌گردد و روند تیرشک‌ینک و توجیه تسلیم به مطامع امپریالیسم تا جا گسترش می‌یابد که معاون سیاسی وزارت

خارج اعلام می‌کند:

"ما فکر می‌کنیم خود آمریکایی‌ها هم از صدام نا امید شده باشند."

به عبارت دیگر جنگ با عراق هم، دیگر جنگ با آمریکا نیست.

سازش پشت پرده حاکمیت ۱۰ تا آنجا پیشرفته است، که حتی دولت اسرائیل نیز به طمع آن افتاده است از این نمد کلاهی بسازد. راد یو اسرائیل می‌گوید:

"پاسداران دولتی و حزب‌اللهی‌هایی که در لبنان فعالیت می‌کنند، با آنکه ظاهرآ در راه انجام هدف‌های حکومت اسلامی ایران فعالیت می‌نمایند ولی در حقیقت آلت دست دولت سوریه و در عمل مجری هدف‌ها و توطئه‌های توسعه طلبانه حکومت بحث دمشق هستند."

راد یو اسرائیل حتی ادامه جنگ ایران و عراق را به مطامع توسعه طلبانه سوریه نسبت می‌دهد.

لحن آشفتگی جوانانه و موعظه گرانه این گفتار، به خوبی نشان می‌دهد که برفهم‌خالفست خوانی‌های دنباله روانه سازشکاران، چ ۱۰ تا کجا در جاده سازش با امپریالیسم جهانی پیش رفته است.

تحولات داخلی نیز بیانگر تثبیت اوضاع به سود راستگرایان است. سخنگویان راستگرایان امروز همه دستاورد‌های انقلاب را، تنها راه‌هایی مستضعفان قلمداد می‌کنند. "راهی برای حمایت از محرومان و مستضعفان نیست مگر برگشت به احکام اسلام و به دور ریختن بدعت‌ها از قبیل قیمت‌گذاری و سهمیه‌بندی. و قانون‌های خلاف شرع مجلس طاغوت و شورای انقلاب. . . ."

امر مستضعفین اصلاح نمی‌شود مگر به اصلاح امر سرمایه‌دارها" (رجحلی طاهری - نماینده کازرون - اطلاعات ۲۸ آبان ۶۲).

تسلیم‌شدگانی که ادعا می‌کردند با عقب نشینی داوطلبانه در برابر یورش کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، می‌توان "خوی کساح

نشینی" آنان را اصلاح کرد، اینک در انتهای بیراهه تسلیم، اظهار عجز می‌کنند.

"براستی دولت چه کند؟ پر و بال‌ش را شکسته و در قفس را هم بست‌ه‌ایم، انتظار پرواز هم داریم."

آنان که سرکوب ناجوانمردانه حزب توده ایران را وجه المصلحه تبرئه خود از اتهام "گرایش به سوسیالیسم" قرار می‌دادند، اینک با وجود خوش رقصی‌های بسیار در این زمینه، در هر اقدام اصلاح طلبانه جزئی نیز خود را با همین شانتاژ روبرو می‌بینند. "دولت، لایحه مالیات بر پشمی از املاک را به مجلس داده است، هنوز به جلسه علنی نیاورد، هنوز

و کنار صداها بلند می‌شود که اینها تزه‌های سوسیالیست‌هاست."

مدافع سرسخت دولت تسلیم طلبان ادامه می‌دهد:

"... اقلیت چیزداری ... نه تنها خود

را متولی بازار و بخش خصوصی می‌دانند، بلکه خود را متولی اقتصاد کشور می‌دانند. این جماعت با حمایت محاقلی که از گوشه و کنسار حمایتشان می‌کنند، قصد آن دارند که دولت را ملوک و از صحنه خارج سازند و مجلس را قبضه کنند و بر سر ما بیارند آنچه را که حرث و نسل را هلاک و تباه می‌سازد." (محد اخلاقی نیما - نماینده سیرجان - اطلاعات ۲۸ آبان ۶۲).

در شرایطی که عالی‌ترین مقامات و نهاد‌های جمهوری، تابع و مدافع به خیال آقای اخلاقی نیما، "اقلیت ناچیزند"، جریان تحولات جز به سود آنها پیشرفت نخواهد کرد.

در همین حال، نارضایتی و اعتراض در میان توده‌های مردم گسترش می‌یابد. زمزمه‌های

نارضایتی عناصر وفادار به آرمان‌های انقلاب به ویژه در بدنه نهاد‌های در اختیار حاکمیت اوج می‌گیرد. حتی در مجلس شورا، اقلیت ضعیفی از نمایندگان با گسترش و ژرف‌شدن مواضع انتقادی خویش نسبت به مجموعه حاکمیت، از آرمان‌های

انقلاب دفاع می‌کنند. بسیاری از مسلمانان انقلابی، گردش به راست حاکمیت را بیش از پیش باور می‌کنند و به جستجوی راه‌های نوین ادامه مبارزه بر می‌خیزند. در جو رعب و خفقان حاکم بر کشور، اعتراضات و نارضایتی‌ها و جستجو‌ها و تلاش‌های انقلابی، بطور عمده مخفیانه شکل می‌گیرند و اغلب به طور غیر مستقیم انعکاس می‌یابند.

مقاومت منفی در برابر حاکمیت، وسعت روزافزون می‌یابد. اعتبار سیاسی سخنگویان پیشین گرایش‌های خلقی و ضد امپریالیستی که به سازش‌نگینی با امپریالیسم و راستگرایان و تسلیم‌شدگان تن داد‌ه‌اند، بیش از پیش متزلزل می‌شود.

انعکاس این واقعیات در بالا، در میان سازشکاران دنباله‌رو، کلاف بحران حاکمیت را سردرگم تر می‌کند.

نزدیک شدن انتخابات مجلس، درگیری در میان جناح‌های مختلف حاکمیت را بیشتر کرده است. در این میان سازشکارانی که قصد آن

دارند، که جنبش اعتراض به سازش با امپریالیسم و ارتجاع را مهار کنند و چه بسا آگاه یا نا آگاه، آنها در چهار چوب تحولات اصلاح طلبانه و سازش دوباره به بند بکشند، مخالفان دولت را به پشتیبانی از انتقادات بی‌رمق و مصلحت‌اندیشانه برخی او نمایندگان مجلس می‌خوانند.

به دنبال تشویقی که آیت‌الله جنتی از استیضاح کنندگان وزیر کشور به عمل آورد، بقیه در صفحه ۱۶

اعتراضات شدید مردم شیراز یکبار دیگر قشریون ج.ا. را به عقب راند

● کوشش مقامات شهر شیراز برای زنانه کردن اتوبوسهای مسافری با اعتراض شدید مردم این شهر روبرو شد و به شکست انجامید

ندانند و شاد و شاد مردان در روند تولید، سازندگی کشور ما مدخله کنند، حتی راه رفتن یا به صدای بلند صحبت کنند و حتی راه رفتن یا گونهای که صدای پایشان شنیده شود، نگاه یا محسوب می شود. آیا این همان سیاست ضد انسانی "آپارتاید" نیست که این یار در قالب "شرعی" و بر مبنای تبعیض جنسی بر مرد، انقلابی میهن ما تحمیل می شود؟! این اقدامات که با نقض خشن اصول مترقی قانون اساسی همراه است، هر روز بیشتر محتوای "تبعیض جنسی" خود را عیان و حیات اجتماعی میهن ما را به نوبی با کشورهای نواد پرست آفریقای جنوبی همسو و هم آهنگ می سازد. این اقدامات واپس نگرانه و توهین آمیز با تسلط روز افزون قشری گری و مقدس مآبی راستگرا روز به روز توسعه می یابد و سایه خود را بر تمام عرصه های اجتماعی می گسترد. کشیدن پرده سیاه در کلاس های درس دانشکده ها و جدا کردن دختران دانشجو از سایرین، محبوس کردن تعداد زیاد کارمندان زن در اتاقهای کوچک و نصب تابلوی "ورود برادران ممنوع" در راه انداختن کارزار تبلیغاتی درباره زنان به عنوان ارتکاب گناه گمراهی مؤمنین، بخش کوچکی از اعمال این سیاست شرم آور را نشان می دهد.

این نکته شایان توجه است که روزنامه جمهوری اسلامی، نه تنها این حوادث را سکوت گذارد و اعتراض به حق مردم شیراز را در صفحات خود منعکس نکرده است، بلکه روز بعد از این تظاهرات، با درج خبر به اصطلاح "راهپیمایی یا شکره خواهران در شیراز علیه بی حجابی" به تلافی جوئی نیز برخاسته است. روزنامه جمهوری اسلامی حتی با چاپ این جمله که "تظاهر کنندگان از دادستانی انقلاب و قوای انتظامی خواهان شدت عمل در مقابل بسی حجابیان مغرض شدند"، طعنه به استفاده از چماق سرکوب ثار الله، که این روزها با رژه قدرت خود را به رخ مردم می کشند، علیه چنین اعتراضاتی فراخوانده است.

ارتجاع راستگرا و قشری ج.ا.، ناتوانی خود را در حل معضلات روز افزون زندگی مردم که ناشی از اعمال سیاستهای ضد استقلال، آزادی های دکراتیک و مغایر با اصلاحات بنیادی اجتماعی و اقتصادی است، با عداوت کردن مسائل بی اهمیت و فرعی مثل حجاب ایجاد جنجال در اطراف آن می پوشانند. ما تودمائی ها به اعتقادات وجدانی خود، های محروم میهن مان، و اسلامی که به پرچم مبارزه مردم علیه رژیم مستبد شاه بدل شد احترام عمیق می گذاریم. واقعیت آنست، آنچه که اینک به نام "اسلام" و "موازن شرعی" انجام می شود، کوچکترین ارتباطی با این پاورده و وجدان مذهبی زحمتکشان میهن ما ندارد.

استثنای روزنامه جمهوری اسلامی، که اعتراض وسیع مردم را سانسور کرد (و اجبار مسئولان در متوقف ساختن این طرح "توهین آمیز" می توان به شدت و وسعت اعتراض مردم پی برد. پسند نیاموختن از حوادث، از خصوصیات حاکمیت جدا از مردم و کوردلان است. در تابستان ۶۱، مردم تهران در برابر چنین اقداماتی از سوی شهرداری تهران و مسئولان شرکت واحد مقاومت کردند. این مقاومت ها باید به مسئولان شهرداری شیراز می آموخت که تحمل مردم در مقابل رفتار موهن و تحقیر آمیز حاکمیت ج.ا.، نا محدود نیست.

در واقع این اولین کوشش قشریون واپس نگر حاکم بر جان و مال مردم نیست، که با سب و استفاده از باورهای مذهبی و با ظاهری آرایش شده در لباس "شرعی" زنان میهن را از خیابان و جامعه به گوشه خانه و "مطببخ" تبعید کنند و حقوق اجتماعی آنان را پایمال سازند. اتخاذ تصمیمات ارتجاعی از این دست، منبث از طرز تفکر عقب افتاده و قرون وسطایی مسئولینی است، که انسان را بر اساس "جنسیت" به دو نوع "کامل" و "نیمه" تقسیم می کنند. اینان معتقدند، که زنان به عنوان انسانهای ذرجه دوم، که هرگز به "ایمان کامل" دست نمی یابند، مجاز نیستند در مجامع کنار مردان ظاهر شوند و در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی فعالیت داشته باشند؛ حق

چنانکه روزنامه های مجاز کشور، از جمله کیهان مورخ ۲۹ آبان ماه گزارش داده اند، طرح زنانه کردن اتوبوسهای مسافری که از سوی شهرداری شیراز در پشت درهای بسته و دور از چشم و گوش مردم آماده و به اجرا در آمده بود، در اولین ساعات با مخالفت و اعتراض شدید مردم مواجه گشت. این اعتراضات، سرانجام مسئولان شهر شیراز را واداشت تا در اولین ساعات، اجرای آن را متوقف سازند.

بسیاری از شهروندان شیراز در تماس های تلفنی با خبرنگاران این روزنامه، تصمیمات مقامات شهر را بزرگترین توهین به مردم "خوانده" یکی از شهروندان شیراز در تماس تلفنی خود با خبرنگار روزنامه کیهان اظهار داشته بود:

"اگر جوانی مریض شود و پدرش در محل نباشد، مادری باید با یک اتوبوس و مریض خود را با یک وسیله نقلیه دیگری به بیمارستان برساند و این روش اصولی نیست".

خانم دیگری در تماس تلفنی خود گفته است:

"با اجرای این طرح اگر زن و شوهری بخواهند برای خرید به بازار بروند باید هر کدام با یک اتوبوس خود را به بازار برسانند!"

شهروندی دیگری نیز اظهار داشته بود:

"اجرای چنین طرحی، بزرگترین توهین به مردم مسلمان این شهر است" (کیهان ۲۹ آبان ۶۲).

از مفاد گزارش های مطبوعات مجاز، (به

حق رای بدون حق انتخاب!

بقیه از صفحه ۴

محروم می گردند. در عوض افراد دارای پرونده، اختلاس و سوء استفاده از اموال عمومی، نظیر آقایان پوراستاد و خاموشی، به علت قربانیت طبقاتی با حاکمیت و تظاهر به "مکتبی بودن و اعتقادیه" ولایت فقیه، با سلام و صلوات مورد تأکید قرار می گیرند و صندوقها به نامشان پر می شود. در واقع هم، اگر مردم به هنگام رای دادن، تنها حق انتخاب کردن "میان اشخاصی نظیر پوراستاد و خاموشی و محم های هم فکرشان را داشته باشند طبیعی است که از هر حوزه، انتخابیه یک نفر نظیر آنان به مجلس راه می یابد و نه آدمی مطلع و با صلاحیت.

انتخابات آزاد به این معنی نیست که ارگان های غیر انتخابی به خود اجازه دهند نمایندگان مردم را از صافی تقیض عقاید و وابستگی بی چون و چرا به نظام سرمایه داری عقب مانده و مناسبات ارباب - رعیتی قرون گذشته بگذرانند و هرکس که طرفدار توده های زحمتکش خلق است و یا می تواند علمی و منطقی ببیند یسد تحقیر و مغضوب شود.

مردم می پرسند حال که همه امر، چه در

سیاست خارجی - مانند "دوستی" با پاکستان و ترکیه و دیگر کشورهای وابسته به امپریالیسم، دشمنی با اتحاد شوروی و کمونیسم ستیزی، واردات بی حساب از کشورهای امپریالیستی و ابقار آنها، شرکت در جنگ صلیبی امپریالیسم علیه کمونیسم، و چه در سیاست داخلی - نظیر تکیه بر نظام کلان سرمایه داری - بزرگ مالکی، سرکوب نیروهای مترقی، متلاشی کردن تشکل های صنفی - شورایی کارگران و معاندت از تشکیل آنها و اتحادیه های دهقانی ... همه و همه به میل و اراده سردمداران ج.ا. و بدون "مشورت" با مردم و "اخذ رای" از آنان صورت گرفته، "شورای نگهبان" که جانشین "مجلس سنا" شده - و جوامع روحانیت های مبارز و ائمه جمعه و جماعت این شهروان ده که بهر حال نمایندگان مسلمان و متحد و باصلاحیت را، این بار هم بدون مشورت با آنان انتخاب می کنند و روانه "مجلس" می سازند، چرا برای برپائی نمایشی به نام "انتخابات" و به اصطلاح "اخذ رای مردم"، عرض خود می برند. و بر زحمت آنان می افزایند؟!

مسائل انقلاب و مواضع ما: فرخ نگهدار،

مردم در برابر غلبه سیاست در نشان خن

خلق باشد؟ در چنین شرایط میان مردم شریکتر و سازمانگرا نه گریه دشوار است. سندیکی و هنوع سازمان بهروری از آن کسی است که آگاهی و درکار سازمانگرا هر امکانی هر چند کوچک هم، ما فعالین فدائی و تود تولید را نیاز مبرم انقلاب و انقلاب اعلام کرده ایم. هر بیشتر در راه افزایش تولید سرنگون شده که خواهان اخلا ما از حقوق طبقه کارگر در دفاع همیشه بصورتی بوده است. توطئه های خرابکارانه امپریالیست با روی آوردن کارگران به هر کوشش داشته ایم که کارگران ارسال طومار از طریق انعکاس اذاین قتل برای تأمین خواست کارگران به تولید و در نتیجه حاکمیت در برابر امپریالیسم روی اتحاد طبقه کارگر و سایر تأثیر تفریمی داشت.

انگیزه شرایط تغییر کرده امپریالیسم و طبقات سرنگون در برابر خواست توده های مرد بخصوص در برابر کارگران بود توکلی که امام او را "مرد هباتهای حل اختلاف را منحل بخش قانون اساسی و حتی صلاحیت دادگاههای انقلاب است. بشوای گلا" خود را این هباتها در وزارت کار دادمانند. تا با کارگرنی که از کنند که با سازمانها و احزاب رحتکنان می کنند. بهترینوس طبقه کارگر بنهاند که حکومت برابر خواست کارگران و حتی است.

انگیزه که حکومت صامت د پیش گرفته است. پیش روی طب متحد و متشکل خود نمانده است. حمایت از محرومین جامعه حرکت جنب محرومین نمی رود. افزایش به ایتار و فدکاری بیشتر برای که زمین سرمایه داران آن را ادامه زندگی خود اجبارا "شمار امکان دارد در این با آن مرد دیگری بسج گردد. و راه اساسی ترین شعار کارگران، هموار مایل می بندیم. سرمایه داران

می برند. ما نباید احار مدیم که یکبار دیگر نسخه های امپریالیسم سرمایه داری به مین ما تحمیل شود. آنها درست وقتی که توانستند مشی خود را در حکومت غالب کنند قبل از هر کار بروی حزب طبقه کارگر ایران شیخ کشیدند. زیرا خوب می دانستند که این حزب هرگز در برابر این سازشها و خیانتها نه ساکت می نشیند و نه به آن تن می دهد. آنان خوب می دانستند که اگر حزب دست نخورده بماند فردا که سیاست راست بر کشور غالب شد مردم به یاری حزب در راه تغییر سیاست حاکم بر کشور و احیای سمت گیری مردمی در حکومت می ریزند و با اعمال قدرت انقلابی خود امید ارتجاع برای تحکیم پایه های سرمایه داری و وابستگی را به پاس سیدل می سازند.

این تلاش راستگرایان و سازشکاران چه وظیفه ای را بر عهده ما می گذارد؟ وظیفه ما کاملاً روشن است. اکنون که سیاست سوززوی بر کشور حاکم شده است هر یک از ما تا حرکتی که می تواند باید سعی کند توده های خلق گمراه نشوند و چنان قدرتی بدست آورند که بتوانند انقلاب را از مهلکه و نیستی نجات دهند. زیرا اکنون یگانه امید ما به بیداری و متشکل توده های وسیع خلق است.

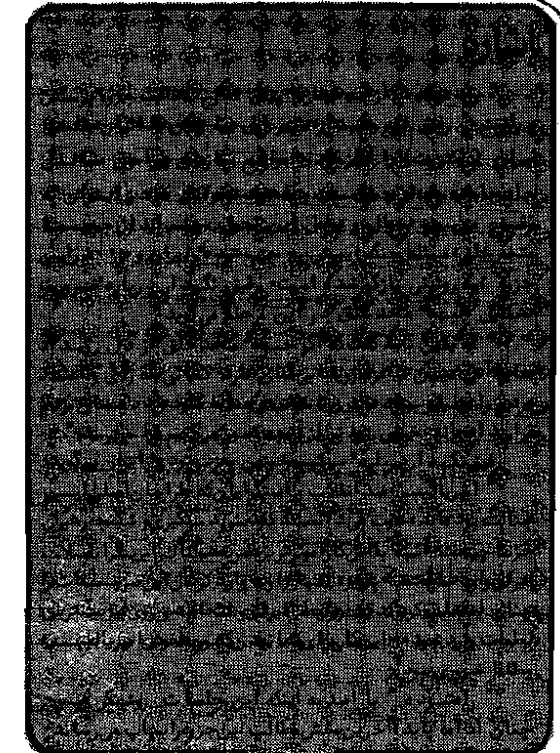
آموزش مهم مارکسیسم - لنینیسم در مبارزه طبقاتی و انقلاب به ما راه انجام این وظیفه انقلابی را نشان داده است. این وظیفه همان وظیفه اساسی و همیشگی ما یعنی کار توده های باضمون مبارزه در راه تربیت و متشکل توده مردم رحمتکش است. بخصوص هر گام کارگران بسوی کسب آگاهی طبقاتی و انقلابی و هر کوشش آنها در جهت متشکل در سازمانهای سیاسی و سندیکی از همه وظایفی که بر عهده یک عضو حزب طبقه کارگر قرار دارد مهم تر و اساسی تر است. تا دیروز که نیروهای حاکم هنوز برای همراهی با انقلاب از خود آمادگی نشان می دادند، کار توده های ما بمنظور ایجاد یک قدرت مستقل توده ای برای دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن بود. این کار در عین حال مواضع نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت را هم تقویت می کرد.

تقویت مواضع نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت و پشتیبانی از آنها راه اساسی به مطالبات و خواست توده های خلق و در این همه اجرای اصول انقلابی قانون اساسی بود.

امروز نمی توان از نقش فائقه نیروهای در حاکمیت صحبت کرد که آنقدر قدرت داشته باشد که بخواهد این انقلاب را به جلو برده یا حتی جلوی بازگشت آن را بگیرند. به همین دلیل امروز موضوع بسیج توده ها جنبه پشتیبانی و تقویت مواضع خط حاکم بر کشور را برای پیشبرد انقلاب ندارد. زیرا خط حاکم خواهان آن نیست اما اصل این موضوع یعنی بسیج توده ها برای تأمین خواستها و مطالبات آنان همچنان مطرح است. هدف این بسیج اعمال فشار از پائین است.

بدین ترتیب باید گفت اولاً: کار توده ای برای تبلیغ و ترویج و هدایت مبارزه مردم اکنون نه تنها بسیار شریکتر بلکه برای تمام انقلاب بسیار مهم و سرنوشت ساز است. ثانیاً: کار توده ای کاری است آگاهی بخشی و سازمانگرا با هدف ایجاد یک قدرت متشکل و آگاه و مستقل توده ای که بتواند اراده خود را در برابر سرمایه داری و امپریالیسم قرار دهد. ثالثاً: کار توده ای در شرایط آتی متوجه بسیج نیروها برای اعمال فشار از پائین برای تحقق خواستها و مطالبات مردم است. مبارزه توده ای در آینده قبل از همه صورت یک مبارزه مطالباتی بخود خواهد گرفت.

در شرایط نوین این سؤال بار دیگر طرح خواهد شد که چه کسی راست می گوید؟ در شرایطی که حکومت برآمده از مردم به آنان پشت می کند. و اقلاً کدام جریان می تواند پاسخگوی خواستها و آرزوهای



پرسن مردم در برابر غلبه سیاست راست در حکومت چه واکنشی نشان خواهند داد؟

پاسخ: نخستین نکته اینست که پوششهای مذهب نمی تواند ماهیت اقدامات حکومت را پنهان کند. در جریان سرکوب حزب توده ایران و قجایع تلویزیونی، علیرغم تمام صحنه سازیها، حکومت نتوانست تأیید مردم را بدست آورد. اعتقاد مردم به رژی که این چنین نزدیکترین متحدان خود را سرکوب می کند، بحق مورد پریشی آنان قرار گرفت. آنها قبل از آنکه قریب صحنه سازیهای رژیم را بخورند، رژیم را بخاطر ناجوانمردیش محکوم ساختند. شکست شوی تلویزیونی حکومت ادامه منطقی داوری مردم درباره تمام سیاستهای حکومت است. در حکومتی که زمین را از دهقان می گیرد و از چپاولگری بازار حمایت می کند، قانون کار آنچنانی تدارک می بیند و راه احیای صنایع با امپریالیسم را می بیند، سهم حزب توده ایران هم فقط چیزی جز سرکوب و شکنجه و شلاق و اعدام نخواهد بود. چشمان مردم به این حقایق هر روز بازتر می شود. ما باید به این داوری قاطع مردم در محکوم کردن این اعمال حکومت بیشتر فکر کنیم. آیا در جریانهای بعد از ۳۰ خرداد و ۷ تیر هم واکنش مردم در برابر اقدامات حکومت همین بود؟ بهیچوجه. در آن زمان هنوز مردم بدرستی حکومت را قویا و فعلاً پشتیبانی می کردند. با این امید که حکومت پاسدار انقلاب باشد. مردم واقفاً هر کاری از دستشان برمی آید برای تقویت حکومت انجام دادند. اما در طول این دو سال حکومت نشان داد که شایسته این حمایت بیدریغ نیست زیرا نمی خواهد به آنچه مردم می خواهند، عمل کند. حکومت جنگ را بی خردانه ادامه داده همه قوانینی را که بسود مردم بود مطلق کرد. راه نزدیکی با غرب را در پیش گرفت، حقوق و آزادی سیاسی قانونی را لگدمال کرد و کوشید هر صدائی در اعتراض به این سیاستها را در گلو خفه کند. مردم هم چشم داشتند و دیدند که حکومت نمی خواهد به آنچه آنها می خواهند، گوش کند. به این دلایل مردم در جریان سرکوب حزب، بهیچوجه از جنایات حکومت طرفداری نکردند.

این قضاوت مردم بسیار امیدبخش و شور آفرین بود. این داوری و آگاهی در حال افزایش نشان می دهد که تا چه میزان مردم آمادگی بازم بهشتی برای شنیدن حرفهای ما یافته اند. بنیست "راه سوم" به ناگزیر و علیرغم تمام اغتشاش آفرینی های حکومت توده های وسیع خلق را به جستجوی راهی دیگر می کشاند. راه سرمایه داری و امپریالیسم در ذهن مردم بگونه ای احتراز ناپذیر در برابر راه استقلال و سوسیالیسم قرار می گیرد. اینکه مردم ما سالهاست تم امپریالیسم و سرمایه داری را تجربه کرده اند و اینکه اکنون به تجربه درمی یابند. افسانه "راه سوم" در حل سیمترین مسائل اجتماعی بار دیگر تا این حد عاجز مانده است. مساعدترین شرایط را پدید آورده است که توده های خلق به حقانیت شعارهای ما و راه حل های واقعی ما

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، د

براول سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت)

بخش آخر

ست در حکومت چه واکنشی اهداداد؟

پاشیدن بذر آگاهیهای انقلابی به نثار ضروری تر است. امروز مبارزه کن نقش و تاثیر شکل‌های سیاسی و ای بر مراتب افزایش یافته است. فردا وز بیش از دیگران در پاشیدن بذر میان توده‌ها موفق باشد. باید از این راه بهره گرفت

در سال‌های اخیر موضوع افزایش سهای از پیکار علیه امپریالیسم و ضد سازمان ، طبقه کارگر را به فدائاری مبارزه علیه ضدانقلاب و بورژوازی بر روند تولید بود. فرا خوانده‌اند. سهای بگسارانه دفاع کرده‌ام. این درجهت تقویت تولید و غنشی سازی باشد. ما در این مدت بطور کلی نیرومند امتصاب مخالف بوده‌ام و لریق مراجعه به مسئولین، از طریق استهای خود در رسانه‌های گروهی و ن خود اقدام کنند. زیرا امتصاب قدرت مقاومت مدافعان انقلاب در طبقات سرنگون شده آسیب می‌زد و ر خلق که در حاکمیت نقش دارند هم

ت. حکومت بجای مقاومت در برابر سیاست نزدیکی با آنها و مقاومت را در پیش گرفته است و این مقاومت خصوصیات سرکوبگرانه هم هست. و خوبی" معرفی می‌کند خودسرانه کرد. و دادستانی انقلاب با نقش نال کردن قانون ارتجاعی حدود آنچه صریحا" ضد قانون اساسی و با مهندسی وزیر کار بیشین سهای گاهی با اصطلاح انقلاب تشکیل تم کارفرما به تنگ آمدن همان ساسی مدافع طبقه کارگر و دیگر ون کار به تنهایی کافی است که به دفاع از سرمایه‌داران و مقاومت در کوب خشن آنان را در پیش گرفته

از منافع کلان سرمایه‌داران را در کارگر هیچ راهی جز اتکالی به نیروی . حالا که حکومت دیگر در دست می‌کند. سود افزایش تولید هم به لید که طپوم آن دعوت از کارگران بعد بیشتر بوده است. شعاری است بال می‌کنند. طبقه کارگر نیز برای زایش دستمزد را طرح خواهد کرد. جنبش کارگری برای تحقق شمار شعار افزایش دستمزد بمنسوان فقط خواهد شد. کارگران در برابر بیورند از حق حیات خود دفاع

کنند. حکومت قادر نخواهد بود جلوی حرکت حق طلبانه کارگران را بگیرد. تجربه یکساله گذشته نشان می‌دهد که کارگران جمهور بوده‌اند در برابر زورگوییها و قانون شکنی‌ها و فشارهای سرمایه‌داران و دولت برای تشدید بهره‌کشی از کارگران به حربه امتصاب و تشکیل صندوقهای مستقل کارگری برای دفاع از کارگران احراری متصل شوند. در همین یکساله اخیر دهه‌مانونه حرکت امتصابی از سوی کارگران واحدهای مختلف صنفی وجود داشته است. مطالبه یکایک آنها نشان می‌دهد که سیاست ضدکارگری وزارت کار و سوجدونی بی‌بندوبار کارفرمایان و عدم رسیدگی به خواستها و اعتراضات به حق کارگران منشا این حرکات بوده است.

در چنین شرایطی استفاده از تمامی اشکال مبارزه توده‌های کارگران که در راه احقاق مطالبات برحق آنان صورت می‌گیرد نه تنها ممکن بلکه مطلقا" ضرورست. آنچه در سیاست ما ناتوانی لایتنر است این با آن شکل مبارزه نیست. امروز ممکن است تاکتیک امتصاب صحیح و فردا ناصحیح باشد. بعلاوه در زمان واحد نیز در موارد متفاوت باید تصمیمات متفاوت اتخاذ کرد. آنچه در سیاست ما ثابت و لایتنر است دفاع تا به آخر از منافع صنفی و سیاسی طبقه کارگر و همه رزمندگان است. امروز که حکومت راه دفاع از منافع بازاربان و دیگر سرمایه‌داران را در پیش گرفته است کارگران و رزمندگان هم چاره‌ای ندارند جز آنکه راسا" از منافع صنفی خود دفاع کنند. در چنین شرایطی ما هیچک از اشکال تیره بخش مبارزه صنفی کارگران را بطور کلی رد نمی‌کنیم. ما خواهیم کوشیدیم امتصاب شکل صحیح مبارزه، توده کارگران را در رسیدن به خواستها و طرح اعتراضات خود تا هر حد ممکن یاری دهیم.

سیاست ضدکارگری که تا چندی پیش فقط در قلمرو وزارت کار سطره داشت اکنون در تمام نهادهای دولتی سطره می‌یابد. در حالی که به سال است حکومت حداقل دستمزد کارگران را ثابت نگاهداشته، ساسی را دنبال کرده است که بیش از همه به سود بازاربان و دیگر سرمایه‌داران بوده است. دادستان کل انقلاب اعتراف کرده است بازاربان بیش از صد میلیون دلار سود برده‌اند. سود آنها گاه به چندین صد و حتی چندین هزار برابر افزایش یافته است. سیاست حاکم برکنور این ظلم وحشتناک را "خرعی" و "اسلامی" معرفی می‌کند و صدای اعتراض مخالفان این سیاست ظالمانه را خفه می‌کند. تمام کسانی هم که این ظلم وحشتناک را غیرشرعی و غیراسلامی معرفی می‌کنند با برچسب توده‌ای و فدایی و منافق کوبیده می‌شوند.

فعالین کارگری ما می‌دانند که جنبش شورایی درواصدهای صنعتی ادامه، منطقی و تاریخی جنبش سندیکایی ایران است. این جنبش بطور عمیق وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت. تغییر شرایط سیاسی ممکن است اشکال تشکل این جنبش و با نام‌های آنرا تغییر دهد اما مطمئنا" وظایف و عملکرد آن همانست که بود. هیچ عاملی، حتی سرکوب شدید فاشیستی هم قادر نیست موجودیت عینی این جنبش را نابود کند. این جنبش برای طبقه کارگر کلاس اول درس مبارزه طبقاتی است. از این طریق است که کارگران بتجربه به این نتیجه می‌رسند که خود راسا" سازمان سیاسی پشاهنگ خود را داشته باشند. حتی بعد از سطره" سیاست راست در حکومت هم کارگران تسلیم فشار حکومت نخواهند شد و به مبارزه سندیکایی چه در تشکلی بنام شورا یا بنام سندیکا یا تحت هر عنوان دیگر ادامه خواهند داد. مبارزه سندیکایی با مضمون حق طلبانه، جز تشکیک ناپذیر موجودیت طبقه کارگر است. این مبارزه تعطیل‌بردار نیست و درست به همین دلیل در هر حال عنوان و تشکل خاص خود را

انتخاب خواهد کرد. اتفاقا" با اطمینان باید گفت که این مبارزه علیرغم تمام تشنات حکومت روز بروز ضرورتا" شگوفاتر می‌شود. البته در این شورا یا آن سندیکا، در اینجا و آنجا عوامل ضدکارگری و خادمین سرمایه‌داری خواهند کوشید نفوذ کنند و آن را از خاصیت بیاندازند. اما این تشنات ماهیت عمومی شوراها و سندیکاها را پشتابه پشگر مبارزه اقتصادی طبقه کارگر تغییر نمی‌دهد. جنبش سندیکایی جز مهم جنبش انقلابی خلق ما باقی خواهد ماند..

وظیفه عناصر آگاه است که تا هرکجا که می‌توانند و به هر وسیله که می‌توانند به میان کارگران بروند و در هدایت مبارزه سیاسی و سندیکایی آنان نقش هرچه شایسته‌تری را برعهده بگیرند. باید مطمئن بود که جز ما بیرون سوسیالیسم علمی، هیچ جریان سیاسی و اجتماعی دیگر منافع خود را در آگاهی طبقاتی و تشکل طبقاتی کارگران جستجو نمی‌کند و اساسا" قادر نیست این رکن اساسی انقلاب اجتماعی را آنچنانکه باید برپا دارد. عمده‌ترین نقطه ضعف انقلاب ایران عدم تشکل سیاسی و همچنین سندیکایی طبقه کارگر ایران بوده است. فقدان این تشکل بود که راه را برای نیروهای مردود و متزلزل و تا مین رهبری آنان در انقلاب باز کرد. این تشکل و این آگاهی خود بخود بوجود نخواهد آمد. آن را باید ایجاد کرد و راه آنهم فقط اینست که شا اعضای حزب طبقه کارگر ایران به هر شکل ممکن که می‌توانید با کارگران تماس بگیرید، ارتباط‌های خود را با محیط‌های کارگری از هر طریق که می‌توانید برقرار و مستحکم کنید. نشریات سازمان و دیگر نشریات سوسیالیستی را در محیط‌های کارگری توزیع کنید. در بحث شفاهی مواضع سازمان و مضامین نشریات سوسیالیستی را برای آنان نقل کنید و جبهه واقعی سوسیالیسم را به رزمندگان بشناسانید.

انتقال این آگاهی‌ها و تجارب سازمان و حزب در هدایت مبارزات کارگری و رسانیدن اخبار جنبش کارگری به کارگران از مهمترین وظایف ماست. این کار اگر درست انجام شود نقش بسیار موثری در شکل‌گیری و گسترش هسته‌ها و محافل کارگری و شگوفایی و پیشرفت تشکل سیاسی طبقه کارگر ایران ایفا خواهد کرد.

مانظور که گفتیم برانداختن سطه کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان از وظایف مقدم و بسیار مهم انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است. برانداختن و از بین بردن اقتدار ملاکین بزرگ خواست حیاتی دهقانان و همه مردم رزمندگان بوده و هست.

روستاییان ما در دوران رژیم منفر پهلوی همواره تحت ستم بزرگ مالکان و حکومت بودند. آنها روستاها را دافعا" ترک می‌کردند و در جستجوی نان، به شهرها روی می‌آوردند. زمینهای آنها گرفته می‌شد و دادخواهی آنان برفلحه غاصبین زمین‌ها به جایی نمی‌رسید. هر روز که می‌گذشت آنها سیم‌وزتر می‌شدند و اقتصاد کشاورزی ایران بیشتر نابود می‌شد. شرکت روستاییان در انقلاب و شهدای بی شمار آنان در جنگ با رژیم صدام قبل از همه به امید زمین و آب و دیگر امکانات کار و تولید و نجات زندگی خود از چنگال چپاولگران شهر و ده بود.

پس از انقلاب جنبش دهقانی بجاری هیاتهای هفت نفره، جهاد و همه هواداران انقلاب، بخصوص فدائیان و توده‌های ما، بسرای دریافت زمینهای بزرگ مالکان و گرفتن سند رسمی زمین‌ها برای تأمین آب و بذر و کود و وسایل کشاورزی، برای بیمه و تضمین خرید و تثبیت قیمت محصولات کشاورزی، برای بهبود راههای روستایی و بهبود سطح بهداشت و آموزش و رفاه روستاییان، گسترش می‌یافت. در سالهای پس از انقلاب دهقانان با تشکل شوراها و ده و اتحادیه‌های شوراها، با مراجعه به مقامات و طومار نوشتن‌ها و دیگر حرکات اعتراضی و مطالباتی، مبارزه علیه بزرگ مالکین و در راه بهبود شرایط زندگی خود را وسعت بخشیدند. آنها همچنین حتی، با اقدام مستقل خود در پاشین، کوشیدند توطئه‌ها و تحرکات سلطه‌ها و غیرسلطه‌ها نفوذ آنها، خانها و دیگر عوامل ضدانقلاب و راستگرایان را درهم بشکنند و راه تحولات بنیادین را به روستا باز کنند. دهقانان شب و روز در تلاش بودند که با ادامه جریان کاشت و برداشت محصول بنیه انقلاب را تقویت کنند. توده دهقانان با این کار، بویژه با پشتیبانی فعال از هیاتهای هفت نفره واقعا" تلاش کردند نیروی کافی برای انجام اصلاحات ارضی واقعی فراهم شود.

سیاست ما، همانگونه که دهقانان در عمل دیدند همواره دفاع تا به آخر از خواستهای برحق آنها بوده و خواهد بود. ما کوشیدیم دهقانان شوراها و تعاونی‌های خود را تشکل دهند و مبارزه برای براندازی بزرگ مالکی و بهبود شرایط زندگی دهقانان توأم و رونق گیرد. ما از اقدامات مستقل و توده‌ای دهقانان در گرفتن زمینها قاطعانه حمایت کردیم. ما کوشش کردیم هم دهقانان و هم

بمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

کارزار جهانی همبستگی با زنان دمکرات زندانی در ایران

هندوستان

سازمان های دمکراتیک و مترقی هندوستان، در سه ایالت اوترا پرادش، مادیا پرادش و ماهاراش ترا، طی انتشار بیانیه های همبستگی کامل خود را با اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و سایر زنان دمکرات در بند اعلام نموده، روشهای وحشیانه ای را که در مورد آنان اعمال می شود، محکوم می کنند.

آنان ضمن برشمردن نقش این زنان بیکار، جو در تاریخ مبارزات مردم ایران بر علیه استعمار و استبداد و به خاطر کسب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، به فعالیت "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"، به عنوان سازمان دهنده زنان در این مبارزات و نیز نبرد برای احقاق حقوق آنان، ارجح گذاشته و از این که اکنون این زنان آزادی خواه و سازمان آنها، تحت شدیدترین پیگرد ها و ظالمانه ترین حملات حکومت راست - گروایان مدافع سرمایه داری و بزرگ مالکی قرار گرفته اند، شدیداً ابراز تأسف می کنند.

این سازمانها در پایان طی فراخوانی، کلیه نیروهای آزادی خواه و صلح دوست جهان را دعوت کرد مانده که علیه اینگونه خود سری ها و قانون شکنی های حاکمیت ج ۱۰۱۰، دست به اعتراض زنند و دولت ایران را موظف به رعایت خواست زیر دانستند:

- ۱- رعایت حقوق زنان کشور
- ۲- اجرای مواد قانون اساسی در مورد آزادی های فردی و سیاسی
- ۳- آزادی بلاد رنگ زندانیان سیاسی مدافع انقلاب
- ۴- برگزاری دادگاههای علنی با شرکت ناظرین بین المللی و بررسی وضع زندانیان، توسط هیأتی از پزشکان و حقوق دانان
- ۵- پایان دادن به تفتیش عقاید و پیگرد سازمان ها و احزاب مترقی و مدافع انقلاب و حقوق زحمتکشان

اسامی سازمانها به قرار زیر است:

الف - ایالت اوترا پرادش
فدراسیون سراسری دانشجویان هند - در ادون
فدراسیون دانشجویان هند - در ادون
حزب کمونیست هندوستان - در ادون
اتحادیه پارزگانی کنگره سراسری هندوستان - در ادون

ب - ایالت مادیا پرادش
انجمن نویسندگان مترقی بوبال کمیته صلح و همبستگی - بوبال
فدراسیون زنان هند - بوبال
اتحادیه پارزگانی کنگره سراسری هندوستان - بوبال
اتحادیه پارزگانی صنعتی بوبال

ج - ایالت ماهاراش ترا
سازمان مردم تپی دست زافه نشین - پونیا
حزب کمونیست هندوستان - پونیا
اتحادیه پارزگانی کنگره سراسری هندوستان - پونیا
فدراسیون سراسری دانشجویان هند - پونیا

• سازمان زنان شافیل - پونا
• فدراسیون زنان پونا
• کمیته صلح پونا
• انجمن دانشجویان سودانی - پونا
• جبهه دمکراتیک دانشجویان بحرین - پونا
• جبهه خلق برای آزادی فلسطین - پونا
• جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین در هندوستان
• اتحادیه جوانان دمکرات بحرین

• سازمان ایالت کارناتاكا (راج یا ماهیلا - سانگها) طی صدور بیانیه ای، همبستگی خود را با زنان دمکرات در بند و سایر نیروهای مترقی

و دمکراتیک در ایران اعلام نموده و به ویژه پس از پرداختن به نقش ارزنده "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"، در دفاع از انقلاب و منافع زنان زحمتکش این کشور، اعمال تضییقات بر علیه این سازمان و اعضای آن را محکوم دانسته و پیروش ارتجاع را به سازمانهای مترقی در ایران، نشانه بازگشت انقلاب ارزیابی کرده است.

• دبیر اول، دبیران و کارگران "کاپیر" در شهر جودپور، طی اعضای اعتراض نامه ای، دستگیری و شکنجه اعضای "تشکیلات دمکراتیک بقیه در صفحه ۱۱"

قطعنامه مشترک هیئتهای نمایندگی سازمانهای زنان عراق، ترکیه و ایران در رابطه با وضع سه کشور و منطقه

از دست می دهند و پیوسته تحت انواع فشارهای روحی و جسمی قرار دارند.
در هر سه کشور، شرایط زندگی توده های زحمتکش به سرعت رو به مخامت می گراید.
جنگ میان ایران و عراق، بخش اعظم منابع ملی دو کشور را می بلعد و در ترکیه، درصد هزینه های نظامی افزایش می یابد.

سرکوب خلقهای کرد، ویژگی مشترک کشورهای ما است. در این کشورها، کردها از آزادی های بنیادی و حق تعیین سرنوشت خسوش محرومند. به خصوص زنان کردها از بیسوادی و شرایط اسفبار زندگی رنج می برند. سازمانهای ما در هر سه کشور، همچنان از مبارزات خلقهای کرد در راه کسب حقوق ملی و دمکراتیک خویش حمایت خواهند کرد.

جنبش های دمکراتیک زنان در عراق، ایران و ترکیه به بیکار در راه استقرار آزادی و کسب حقوق دمکراتیک ادامه خواهند داد. سازمان های ما علیه رژیم شرایط بغرنج کنونی، همبستگی با یکدیگر را توان خواهند بخشید. مبارزه در راه صلح، شرط اساسی برای پیشبرد اهداف نامبرده به شمار می آید. ما اتحاد استوار خود را در مبارزه با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا اعلام می داریم و منافع خود پسندانه آن راه، عامل اصلی مصائب خلق های خوش می دانیم.

ما زنان سراسر جهان را فرا می خوانیم، با تأکید بر خواسته های زیر همبستگی خود را با زنان عراق، ایران و ترکیه تحکیم بخشند:

- ۱- پایان بخشیدن به تجاوز امپریالیستی، مداخله و حضور نیروهای نظامی در این منطقه
- ۲- پایان دادن به جنگ میان ایران و عراق، بری از هرگونه اشغالگری و سیاست انضمام طلبانه و احترام به حق مردم دو کشور در تعیین سرنوشت خویش
- ۳- آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی

۴- خاتمه دادن به سیاست سرکوب و تبعیض، و اعاده حقوق و آزادی های ملی و دمکراتیک خلق های کرد
۵- حق شکل آزادانه سازمان های زنان

طی برگزاری اجلاس شورای فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان (در مجارستان (۱۱ تا ۱۴ اکتبر))، نمایندگان "سازمان مترقی زنان ترکیه"، "اتحادیه زنان عراق" و "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"، فراهخوان مشترکی خطاب به زنان جهان، به شرح زیر انتشار دادند:

"جنگ میان ایران و عراق، که بیش از سه سال است ادامه دارد، تا کنون نه تنها قریب به صد ها هزار قربانی، از دو طرف بجای گذاشته و به ویرانی اقتصادی دو کشور انجامیده است، بلکه همچنین خطری جدی برای صلح جهانی به حساب می آید.

خونهای فانیستی ترکیه، با پیروی از طرح های آمریکا در منطقه، در جهت تحکیم پایگاههای نظامی ناتو و اجازه استقرار سپاه واکتس سریع در خاک کشور، به منظور پیشبرد اهداف امپریالیسم لیسم آمریکا در منطقه و بسط نفوذ آن در خارج از حیطه نفوذ، گام بر می دارد.
نفوذ سربازان ارتش ترکیه به خاک عراق، ناقض حاکمیت ملی این کشور و قوانین بین المللی است.

ما نمایندگان سه سازمان نامبرده، هرگونه تجاوز خارجی به خاک خود و اشغال این سرزمین ها را به شدت محکوم و از حق تعیین سرنوشت خلق هایمان پشتیبانی می کنیم. مسأله آمادگی خود را برای بیکار مشترک در این راه اعلام می داریم.

سیاست خارجی محافل حاکم در کشورهای ما، در راستای تحکیم نیروی ارتجاعی و شیونیستی و امپریالیستی عمل می کند و در داخل هر سه کشور، با سیاست ترور و خفقان دد منشا نه روسرو هستیم. امروزه در ترکیه، ایران و عراق ابتدائاً ترین حقوق دمکراتیک مردم پایمال می گردد. سازمان های دمکراتیک زنان سرکوب و اعضای آن دستگیر و تحت شکنجه های وحشیانه قرار می گیرند (در مورد بسیاری از زنان، که مدت ها است بازداشت شده اند، اطلاع در دست نیست)، خانواده های آنان مورد پیگرد و آزار قرار می گیرند، به گروگان برده می شوند، شغل خود را

کارزار جهانی همبستگی با زنان...

بقیه از صفحه ۱۰
زنان ایران " و سایر دمکراتها را شدیداً محکوم نموده و خواستار آزادی کلیه این مبارزین گردید مانند .

● گروهی از وکلا و خبرنگاران و سردبیران روزنامه‌های مترقی از جمله مجله "جانابکتی" و "مرگام" در ایالت تیل نادو ، هنرمندان این ایالت و دبیرکل و اعضای انجمن شعسرای مدرس ، همبستگی خود را با زنان دمکرات دریند و به ویژه اعضای زندانی تشکیلات دمکراتیک زنان ایران اعلام و رفع تضییقات در مورد فعالیت آزاد سازمانهای مترقی و اعضای آن ها را خواستار گردید مانند .

● جمعی از افراد مترقی ، شخصیتهای سرشناس و سازمانهای دمکرات در ایالت مادیا پرادش ، از جمله حقوق دانان این ایالت ، سازمان زنان شهر ایندور ، دبیر فدراسیون ملی زنان هندوستان در ایندور ، معاون سازمان سراسری جوانان هندوستان در مادیا پرادش و بسیاری دیگر ، ضمن اعلام پشتیبانی از زنان دمکرات در بند ، اعمال قانون شکنانه حکومت براد مورد آنان ، شدیداً محکوم کرده اند .

● فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان در سیملادست به اقداماتی از جمله نصب پوستر در دانشگاه شهر ، جهت روشن کردن افکار عمومی در مورد جنایات هولناکی که در زندانهای ایران به وقوع می پیوندد ، زده است .

● انعکاس اخبار جنایات هولناکی که پشت درهای بسته سلولهای شکنجه در زندانهای ایران به وقوع می پیوندد و درج اخبار مربوط به اقدامات نیروهای مترقی در دفاع از جان دمکرات های دریند ، همچنان بخشی از عده مطالب منتشره در مطبوعات هندوستان را تشکیل می دهد . از جمله نشریاتی که در هفته های اخیر ، صفحاتی را به این مطالب اختصاص داد مانند ، مجله " صدای زنان شاذل " ، " بولتن فدراسیون ملی زنان هندوستان " و " روزنامه ارگان حزب کمونیست این کشور به زبانهای محلی در ایالات مختلف بوده است .

در اکثر نشریات مترقی هندوستان ، همچنین طی فراخوانهای متعدد ، از افکار عمومی مترقی خواسته شده است ، فعالیت های خود را به خاطر نجات دمکرات ها از زندانهای ج ۱۰ شناسند بخشدند .

اتریش

" کمیته ابتکارات سیاسی برای رشد زنان در کشورهای جهان سوم " ، در وین (اتریش) ، طی ارسال نامه ای به سفارت ج ۱۰۱۰ در این کشور ، اعمال شکنجه های وحشیانه را در مورد فعالین و اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان و کلیه زنانی که بخاطر مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی در ایران بازداشت شده اند ، شدیداً محکوم کرده است .

این کمیته ، همچنین به وضع بد زندانهای ایران اشاره کرده و درخواست اعزام هیأتی بین المللی جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک تأکید ورزیده است .

بریتانیا

روز ۲۲ اکتبر (۳۰ مهرماه) تظاهرات شاکی از طرف " کمیته " مبارزه برای خلع سلاح اتی " ، به منظور جلوگیری از موشکهای کرور در بریتانیا ، ترتیب داده شد . در این تظاهرات عظیم نیم میلیونی ، کلیه نیروهای مترقی این کشور شرکت داشتند و سازمان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در بریتانیا نیز با حضور در این اجتماع بزرگ ، همبستگی خود را با مبارزه

فیلیپین

خانم فیلو منا تولنتینو ، دبیر انجمن " فیلیپین نو " ، طی انتشار بیانیه ای در ۲۰ اوت (۲۹ مردادماه) ، تأثر و تأسف عمیق اعضای این انجمن را از بازداشت فعالین و اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و سایر نیروهای مترقی در ایران ایراز و شکنجه وحشیانه زندانیان و محروم نمودن آنان از ابتدائی ترین حقوق ، از جمله حق ملاقات با خاندانهایشان و حق داشتن وکیل را محکوم نموده است .

دبیر " انجمن فیلیپین نو " ، همچنین حمایت کامل انجمن را از کارزار همبستگی با این زندانیان ، بخاطر آزادی آنان ، اعلام نموده است .



گوشه ای از تظاهرات " کمیته مبارزه برای خلع سلاح اتی " - انگلستان

"اتحادیه ضد فاشیستها" برای چهارمین بار از مقامات ج.ا.ا. خواست قادر "دادگاههای" زندانیان توده ای شرکت کند

به این واقعیت جلب می کنیم که اعضای ایسین اتحادیه ، تا کنون سه بار از سفارت ایران درین تقاضا کرده اند به یک هیأت متشکل از شخصیت های دمکراتیک آلمانی ، که در میان شان مبارزین ضد فاشیست و وکلای مترقی هم حضور دارند اجازه مسافرت به کشور شما داد و شود تا ضمن بررسی وضع کسانی که تحت تعقیب سیاسی هستند ، در دادگاههایی که برای رسیدگی به " اتهامات " توده ای ها تشکیل می شود ، شرکت کنند . به این تقاضای ما تا کنون پاسخ داده نشده است . این بار ، از شما می خواهیم که اجازه رود به یک چنین هیأتی داده شود . از جواب فوری شما خوشحال خواهیم شد .

تلگرام به دولت ایران - تهران
تلکس شماره ۵۰۳
هیأت رئیسه اتحادیه ، پیگرد شدگان از طرف نژادها ، اتحادیه ضد فاشیستها / فرانکفورت / مایسن / جمهوری فدرال آلمان .
لطفاً این تلگرام را به دولت خودتان تقدیم کنید .

آقایان محترم :
با تأسف فراوان مطلع شدیم که در روز ۱۶ دسامبر (۱۵ آذر) ۱۹۸۳ ، محاکمه اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران آغاز خواهد شد . ما شدیداً علیه محاکمه این " دریندان " در یک دادگاه نظامی ، به جای یک دادگاه معمولی اعتراض می کنیم . ما تقاضا داریم این " متهمین " که مرگ جان شان را تهدید می کند ، هر چه زودتر آزاد گردند .
اینک از فرصت استفاده کرده و توجه شما را

با احترامات فائقه
هانس پرنس

در هفته ای که گذشت:

برای کارگران "استقامت بیشتر" و برای سرمایه داران "سود بیشتر"

در گرد هم آیی مدیران و روسای ستادی و اجرایی وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان های وابسته، که از اول تا سوم آذر در تهران برگزار شد، آقای وزیر کار "خط مشی" وزارت کار را در قبال مسائل کار و کارگری مشخص کرد و گفت: "حرکت ما باید به سمتی باشد که هر چه بیشتر فاصله های بین کارگر و کارفرما را کمتر کنیم" (آزادگان - ۲ آذر)

این سخن و "دلیل" آن "که در جامعه اسلامی، اصولاً نباید تضاد بین اقشار مختلف وجود داشته باشد" برای کارگران آشناست. سیاست ضد کارگری وزیر کار سابق نیز، بر همین پایه نهاده شده بود که برای پیاده کردن آن از هیچ کوشش "فقهی" و "رسالتی" هم فرو گذار نکرد. جلوه "بارز" تلاش توکلی و شرکاء برای از میان برداشتن "فاصله های بین کارگر و کارفرما" و حل "تضاد بین اقشار مختلف" در "پیشنویس قانون کار" تبلور یافت که خشم و اعتراض یکپارچه کارگران را برانگیخت. اکنون نیز مسئولین جدید وزارت کار با عهد هلیی که در جهت "احیای پیش نویس قانون کار" به کارگران می دهند و تنظیم و ارائه "طرح تشکیل شوراهای اسلامی کار" که تنها و تنها منافع مدیران "توانا" و سرمایه داران "صالح" را حفظ می کند، در همین راستا کام بر می دارند و واقعیت اینست که به رغم خواست مسئولین وزارت کار نه تنها، "فاصله" و "تضاد" وجود دارد، بلکه مسئولین ج ۱۰ با اعمال سیاستهای ضد کارگری خود و بازگذاشتن دست سرمایه داران فارتگر، این "فاصله" و "تضاد" را، هر روز ژرف تر و گسترده تر می سازند.

"رهنمود" شخصی که آقای وزیر کار، برای اجرای این سیاست، ارائه می دهد، از این قرار است:

"باید سعی بر این باشد که کار به منظور نزدیکی به خداوند انجام شود و در هر شرایط دعوت به تولید افزون تر و صبر و استقامت بیشتر در برابر مشکلات گردد"!

به عبارت دیگر، به نظر آقای وزیر کار، تنها با لای بردن سطح تولید که "برای سرمایه داران متضمن افزایش سود و انباشت سرمایه است، راه حل از میان بردن "تضاد" های بین کارگران و کارفرمایان است. از آن سو ارگرا ن نیز، با کسب "صبر و استقامت بیشتر" می توانند به پر کردن این دره "عظیم بیاری" بسانند!

آقای وزیر کار در رابطه با بهبود شرایط

زندگی کارگران و افزایش دستمزد آنان - بلا توجه به هزینه های سرسام آور و احتکار و گران - فروشی رایج درج ۱۰۱۰ - اظهار می کنند؛

بلا بردن دستمزد ها و دادن امتیاز به گروهی، به منظور پیشرفت کوتاه مدت کار، دردی را دوا نخواهد کرد. اصولاً در اسلام کسار و کارگر به صورت ماشین نمی سنجند و ارزش کارگر را در اسلام والاتر از مقامی است که در حکومت های غیر الهی و غیر انسانی پیدا کرده است."

می توان از قول "آقای وزیر کار" استفاده کرد و گفت: این "ارزش گذاری" و "مقامات" والا "بی که حاکمیت ج ۱۰، برای کارگسرا ن قائل است، هیچ "دردی را دوا نخواهد کرد". کارگران ایران که زیر بار کمر شکن معضلات و سختی های زندگی خود، به جان آمده اند، خواهند پایا ن دادن به فشارها و تضییقاتی هستند که "سیاست" های ضد کارگری ج ۱۰ هر روز بیش از گذشته بر آنان وارد می سازد.

اینگونه که از اقدامات و سخنان و طرح های آقای وزیر کار بر می آید، سابقه ۱۴ سال اسارت ایشان در دوران طاغوت نیز، نمی توانست حاکمیت را از بحرانی که بر صدهای کار و تولید را فرا گرفته، نجات دهد. کارگران آگاه ما، با این "تشبثات"، قریب نمی خورند.

گشتی های همیشه در صحنه، بجای "مردم همیشه در صحنه"!

گردانهای گشت ثارالله سپاه پاسداران منطقه ۱۰، هفته گذشته در تهران راهپیمایی کردند تا توان "رزمی" خود را به نمایش گذارند. در این رژه "مخودروهای" "خسودی رنگ" گشت ثارالله که به جز "تفکیک ناپذیر" و همیشه حاضر در خیابانها و چهار راههای تهران بدل شده اند نیز شرکت داشتند و چهار سرنشین آنها نیز که، مجهز به سلاحهای چور و اجور و وسائل الکترونیکی، مراقب رفت و آمد و گفت و شنودهای مردم کوچه و بازارند در جای همیشگی خود به انجام وظیفه نامقدس "زهیر - چشم گیری" مشغول بودند.

گشتی های ثارالله که خواب را بر چشمان مردم تهران حرام کرده و امنیت و آرامش شهر را بر هم زده اند، در حین رژه و مانور خود نیز کلیه گلوگاهها میادین و خیابانهای اصلی و حساس تهران (را) مورد بازرسی و پیررسی دقیق (قراردادند) و با اجرا در آوردن کلیه موارد پیش بینی شده موفق شدند ... تعدادی از عناصر مشکوک را دستگیر و به مراکز قانون (زندانیهای کثیرالشماره ج ۱۰) تحویل نمایند؟ (کیهان ۲۸ آبان ۶۲).

این عملیات مشهورانه "نه تازگی دارد و نه بی - علت است".

تازگی ندارد، به این دلیل که "شهروندان عزیز تهرانی" ماههاست که شا هد انجام "این چنین عملیات جانبارانه ای" هستند. در واقع آنان هر روز از "توان رزمی" این "سربازان گمنام"، سان می بینند؛ هر روز شاهد "مانور های" بستن گلوگاهها و میادین و خیابانهای اصلی و حساس تهران "اند و هر روز خود و دیگران را در معرض "بازرسی و پیررسی دقیق" می بینند ...

و بی علت نیست، به این دلیل که سردمداران ج ۱۰، اگر به این "علت" وجودی خود تکیه نکنند و آن را به نمایش نگذارند چه کنند؟! اثرات اجرای قانون کار مترقی و قانون تشکیل شوراهای و سند پکاها و تأمین حقوق رفاهیی - صنفی کارگران را به نمایش بگذارند؟! طوسی کردن تجارت خارجی و ریشه کنی تورم و گرانی را به رخ بکشند؟! مزارع نمونه ای را که با اجرای "اصلاحات ارضی"، زیر کشت برده اند، نشان بدهند؟! تأمین حقوق انسانی و دموکراتیک زنان را بنمایانند؟ مجتمع های عظیم تولیدی - صنعتی - آموزشی ای که برای امر اشتغال جوانان سرگردان و بی آینده میهن ما و نیز فراهم آوردن امکان تحصیل آنان، بها کرده اند، نشان بدهند؟! دفاتر و کلوب ها و روزنامه های دیگر نیروهای سیاسی و دگراندیش را به نمایش گذارند؟! ... واقعا حاکمیت ج ۱۰ اگر چنین "عملیات و بیانور های" را که برای نمایاندن زور بازو - و قدرت اسلحه و توان چماق و خود چماق ترتیب داده شده و هتسلف ایجاد رعب و وحشت در دل مردم و بازداشتن آنان از مقاومت و اعتراض را دنبال می کنند، به نمایش "در نیارود، چه کند؟! "

این در واقع، سرنویشت شوم همه "حاکمانی است که مردم را از "صحنه" می رانند و به سیاه - چالها بر وانه می کنند، تا با تکیه بر "گشتی های همیشه در صحنه" بر آنان حکم برانند!

در پایان خوبست به این نکته مهم هم اشاره کنیم که علیرغم تبلیغات رسانه های گروهی، مبنی بر اینکه "این عملیات مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت" نه در عکس هایی که در مطبوعات چاپ شده و نه در گزارشات روزنامه های رسمی، رژیم از این "استقبال گرم" اثری دیده نمی شود. حتی از مردمی که در طول مسافت رژه، برای تعاشای این "چماق" ایستاده باشند هم اثری نیست!

نه شرقی، نه مردمی! غربی و "ناتو" بی

به دنبال اتخاذ و اجرای سیاست درهلی باز از سوی ج ۱۰، در هفته گذشته نیز یک هیئت ۳۰ نفره از اسپانیا، به سرپرستی وزیر مشاور در امور اقتصادی آن کشور وارد تهران شد و با مقامات عالیرتبه دولت ج ۱۰، به گفتگو پرداخت.

در یکی از این دیدارها که با وزیر صنایع سنگین ج ۱۰ صورت گرفت، بهزاد نبوی نماینده حاکمیت راستگرای ج ۱۰ را پیرامون گسترش بقیه در صفحه ۱۳

رادیومسکو:

”حزب توده ایران همواره

برای حفظ منافع حیاتی زحمتکشان ایران مبارزه کرده است“

را فراموش نکنند

مردم ایران با سرتگون ساختن رژیم استبدادی پهلوی و آزاد کردن کشور از مظالم آمریکا امیدوار بودند که وضع اقتصادی و اجتماعی آنها در نتیجه انقلاب بهتر شود . بدین جهت است که حزب توده ایران ، با تمام مواد برنامه اجتماعی و سیاسی آیت الله خمینی رهبر انقلاب ایران که با منافع مستضعفین وفق می داد و متوجه محدود کردن سرمایه بزرگ و زمینداران بزرگ بود ، پشتیبانی می کرد . منافع حزب با منافع انقلاب کاملاً مطابقت داشت . حزب توده ایران کوششهای زیادی کرد تا دستاوردهای انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نه تنها تثبیت شود ، بلکه به نفع مردم تکامل بیشتری یابد .

حزب توده ایران در بحث پیرامون قانون اساسی جدید ، فعالانه شرکت کرد و پیشنهاد های مهمی را مطرح ساخت ، تا قانون اساسی ، بیشتر جنبه دمکراتیک پیدا کند . وقتی اجرای برنامه انجام تحولات به سود مستضعفین به تأخیر افتاد ، حزب توده ایران به صراحت اشاره نمود که تقصیر این وضع به گردن نمایندگان سرمایه داران بزرگ و فئودالیهاست که از منافع طبقاتی مغرضانه و سودپرستانه خود دفاع می کنند . حزب توده ایران برای انجام اصلاحات ارضی بنیادی در ایران ، به واگذاری زمین های کلان زمینداران به دهقانان کوشید . حزب توده ایران ، در راه اجرای قانون ملی کردن بزرگانی خارجی به منظور تقویت استقلال اقتصادی کشور که مجلس شورای اسلامی به تصویب رساند ، مجاهدت ورزید . در بین حال حزب توده ایران ، ضرورت حل عادلانه مسئله ملی را بر اساس حق تأمین همه اقلیت های ملی ساکن ایران ، برای تعیین مستقل سرنوشت در چار چوب دولت واحد مستقل مطرح کرد . لازم به تذکر است که تمام فعالیت های حزب توده ایران متوجه تحقق این شعار بود .

نیروهای راستگرا با ایراد تهمت و افترا به حزب توده ایران و یا اعمال تضيیقات در مورد آن تلاش کردند نه تنها به این حزب زحمتکشان ایران ضربه وارد آورند ، بلکه میخواستند سیاست اتحاد شوروی در مورد ایران و انقلاب ایران را مورد سوءظن قرار دهند . ولی این تلاشهای تحریک آمیز محکوم به ناکامی است . اتحاد شوروی هیچگاه در امور داخلی ایران ، همسایه جنوبی ، خود مداخله نکرده و مداخله نمی کند . اتحاد شوروی به نحوی بی گیر ، در راه گسترش مناسبات عادی حسن همجواری با ایران بر پایه اصول برابری ، عدم مداخله در امور داخلی و همکاری متقابل سودمند مجاهدت می ورزد . بدیهی است که برقراری چنین مناسباتی ، فقط به شرط ابراز تمایل از هردو طرف امکان پذیر است .

می دانند که این ” اقلیر ” چگونه گرفته شد . این افترا فکات که به کار بردن انواع شکنجه های روحی و جسمی به دست آمد ، به هیچوجه اعتبار قانونی ندارد ! ملت ایران فشار و اعمال تضيیقات بسیار شدید در مورد حزب توده ایران چیست ؟ چرا ضربه نیروهای محافظه کار راستگرا و محافظ بورژوازی و ملاکی ، متوجه این حزب شده است ؟ پاسخ به این سوال بسیار ساده است : حزب توده ایران ، همواره برای حفظ منافع حیاتی اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان ایران ، علیه سرمایه داران بزرگ و کلان زمینداران و علیه وابستگی ایران به دول امپریالیستی ، مجدداً مبارزه کرده است . بدین علت است که رجسالت سیاسی راستگرا و هوادار فسر ب که خود را طرفدار انقلاب ایران جا می زنند ، نمی توانند این

چندی پیش سازمان تبلیغات اسلامی ایران ، به وسیله نشریات سپهر در تهران ، رساله های چاپ و منتشر کرد که در آن سیاست حزب توده ایران در انقلاب ایران و همچنین روش اصولی اقتصاد شوروی در مورد ایران ، به نحوی خشن تحریف می شود . مؤلفین این رساله بدون ذره ای شرم اعلام نمودند که حزب توده ایران با اتحاد شوروی زدوبند کرده و گویا به فعالیت تخریبی علیه ج ۱۰۱۰ مشغول بوده است . مفسر ما بدین مناسبت می نویسد : ” واقعا این اواخر ، ارگانهای تبلیغاتی ایران به شدت تلاش می کنند در برخی از کشورها ، رساله های را پخش نمایند که شامل استناد جعلی در مورد اصطلاح ” اقلیر ” رهبران بازداشت شده حزب توده ایران است . همه

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲
همکاریهای صنعتی و فنی با آن کشور اعلام کرد و در باره احداث کارخانجات کشتی سازی خلیج فارس ، اتومبیل سازی لندور و مواد اولیه مورد احتیاج ایران با وزیر مشاور اسپانیا به بحث و تبادل نظر پرداخت . در پایان ، دو طرف اظهار امیدواری کردند روابط اقتصادی و بازرگانی بین دو کشور توسعه و گسترش بیشتری یابد .

اریاب جدید بازارهای ج ۱۰ یکی دیگر از اعضای پیمان ناتوست که انحصارات امپریالیستی آمریکایی در قالب انحصارات چند ملیتی ، بر اقتصاد آن سلطنت . سردمداران ج ۱۰ که گویی رسالتی جز احیای وابستگی به امپریالیسم برای خود قائل نیستند ، اصرار دارند که شرکای تازه را از میان متحدان نظامی و هم پیوندان اقتصادی امپریالیسم آمریکا انتخاب کنند . ظاهراً

به این ترتیب هم ” کلاه شرعی ” روی احیای وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا گذاشته می شود ، و هم شیطان بزرگ ” بالاخره دل از ” صدام خواهد کند و به راستگرایان ج ۱۰ خواهد داد .
در همین رابطه این نکته را نیز اضافه کنیم که روزنامه ” فرانکفورتر آلگماینه ” در شماره ۲۹ نوامبر خود نوشته است :
” در ۹ ماهه اول سال جاری ، صادرات آلمان (فدرال) - یکی دیگر از هم پیوندان اقتصاد متحدان نظامی امپریالیسم آمریکا - به ایران ۱۴۵٪ افزایش یافته است .
این روزنامه همچنین ” با اطمینان ” می نویسد :
” مناسبات اقتصادی آلمان (فدرال) با ایران در آینده نزدیک از بهترین سالهای دوران شاه نیز بیشتر خواهد شد .
اینست معنای سیاست ” نه شرقی ، نه غربی ” سردمداران ج ۱۰ !

نابودکننده خاتمه دهند . ما از مردم عراق و ایران که پیوند برادرانه تاریخی دارند ، می خواهیم که در طرف متخاصم را وادار به ترک مواضع کنند تا صلحی پایدار برقرار شود . و پایان جنگ می تواند ، موجب تقویت و توسعه جنبش کارگری و سندیکائی و برگشت به مرحله دمکراسی در ایران و عراق گردد !
این اعلامیه با اشاره به حق و ” صلاحیت مردم عراق ... درباره تخفیر رژیم ” این کشور ، این اقدام امری ” داخلی ” اعلام می شود و تصریح می گردد که در طرف شرکت کننده در این نشست با آرزوی آنکه ” مردم ایران و عراق در صلح و امنیت و تحت رژیم دمکراتیک بسر برند ” ، با شعارهای ” زنده باد همبستگی بین المللی - زنده باد زحمتکشان ایران و عراق - زنده باد صلح و دمکراسی و عدالت اجتماعی ” پایان می یابد .

هیئتهای نمایندگی جنبش دمکراتیک عراق و ...

بقیه از صفحه ۱۶
سندیکائی قدغن شده و رژیم مضم اسسبخت که فعالیت های شورای اسلامی کارگران را در اختیار خود بگیرد .
در ادامه این اعلامیه با اشاره به تشدید خطر جنگ جهانی و گسترش جنبش صلح به ” شرکت فعال ” جنبش کارگری و سندیکائی جهانی ... در تجهیز توده ها علیه مسببین جنگ اشاره می شود ، و اضافه می گردد :
” ما خواستاریم که همه نیروهای مترقی جهان ، مجموعه جنبش کارگری و سندیکائی و همه طرفداران صلح به وسایل ممکنه از دولت های ایران و عراق بخوانند تا به این جنگ

مسائل انقلاب و مواضع ما:

بقیه از صفحه ۱۵

همین در حال شکل گیری است. اکنون ۵ سال پس از انقلاب علمبرم سالهای اول توده‌های وسیع خلق دیگر اینطور فکر نمی‌کنند که حکومت حتماً هرکاری از دستش برآید برای مردم انجام خواهد داد. ۵ سال تأخیر در انجام تحولات بنیادین و ادامه جبهاولگری بی‌بند و بار کلان سرمایه‌داران و ستم‌بزرگ مالکان مردم را مشخصاً به این فکر انداخته که آیا حکومت برای آنان کاری خواهد کرد یا نه؟ این سؤال الان بطور جدی برای مردم مطرح است. توده زحمتکشان دیگر به یکدیگر اطمینان نمی‌دهند که صبر کنید حکومت این وضع نکند یا نه؟ عوض می‌کند. آنها از یکدیگر می‌پرسند آیا حکومت بالاخره می‌خواهد نگری به حال آنها بکند یا نه؟

در سالهای قبل گوش توده‌های وسیع مردم زحمتکش فقط برای شنیدن حرفهای حکومت باز بود. امروز مشخصاً مردم می‌خواهند بدانند دیگران چه می‌گویند. امروز زحمتکشان کشور ما به سیاستها و راه‌حلهای حکومت دیگر بشناخته سیاستها و راه‌حل‌های بی‌بند و مطلقاً درست نگاه نمی‌کنند. زحمتکشان بعد از ۵ سال تجربه اکنون درباره صحت و سقم این راه‌حل‌ها و اهداف غاشی این سیاستها فکر می‌کنند و آماده‌اند تا نظر دیگران را هم درباره آن بشنوند.

اکنون حکومت به توده‌ها ثابت کرده است که سیاستها آن اعتماد و حمایت بیدریغ، بی‌قید و شرط و ایثارگرا توده مردم زحمتکشی نیست. اما مطلقاً غلط است هرگاه تصور شود که حکومت به توده‌ها نشان داده است که باید به او نیز با همان چشمی نگاه کنند که به رژیم شاه نگاه می‌کردند. رژیم شاه آنقدر از مردم دور و با امپریالیستها و جبهاولگران گم‌خورده بود. شاه آنقدر علیه خلق خیانت کرده بود که فقط با حربه سرکوب می‌توانست مردم را ساکت نگاهدارد. مانورهای آن از قبیل انقلاب سفید، "تمدن بزرگ" و غیره را توده‌های وسیع خلق در آخرین تحلیل ناشی از نیازهای خود رژیم و سرمایه‌داران و امپریالیستها ارزیابی می‌کردند. این مانورها هیچ‌یک قادر نشد اعتماد مردم را بدست آورد. توده مردم مدت‌ها بود که فهمیده بودند این حرفها همه دروغ است. این شناخت برای مردم قطعی و لایخیر باقی ماند. اما امروز وضع با آن زمان هنوز خیلی فرق دارد. اعتماد مردم گاهی یافته اما هنوز به قطع امید تبدیل نشده است. اگر همین امروز هم حکومت دست به یک رشته اقدامات مثبت و مردمی بزند هنوز قادر است روحیات کنونی را از نوبه حمایت بی‌دریغ تبدیل کند. مردم دوره‌ای را پشت سر می‌گذرانند که عملاً اعتماد آنها به حکومت مشروط شده است به اینکه حکومت به یک رشته اقدامات جملی به نود مردم دست بزند مردم هنوز آماده‌اند برای انجام این اقدامات به حکومت فشار بیاورند و خواسته‌های خود را مطالبه کنند.

رهبری کشور نیز ظاهراً "بخوبی احساس می‌کند که حیات وی تا اندازه زیادی بستگی به حفظ اعتماد مردم دارد. حکومت هنوز می‌کوشد سرکوب به پگانه وسیله حفظ رژیم تبدیل نشود اما حاضر نیست و به احتمال قوی حاضر نخواهد شد برای حفظ اعتماد مردم و جلب حمایت بیدریغ آنها به اصلاحات اجتماعی بنیادین دست زند. چاره کار ظاهراً اینست که بادست زدن به اقدامات کوچک و بی‌ارزش، اقداماتی که جنبه بنیادین ندارند و راه‌انداختن هیاهوهای تبلیغاتی بزرگ این اقدامات بزرگ جلوه داده شوند و بازم برای مدتی توده مردم از موضعگیری روبه گسترش در برابر حکومت دور نگاهداشته شود. اکنون با دقت بیشتری می‌توان اظهار نظر کرد که فرمان هشت ماده‌ای و تبلیغات علیه احتکار و گرانفروشی و ترمیم کابینه را باید عمدتاً از زمره اینگونه اقدامات نوشت. اگر بخواهیم همه آنچه را که در پاسخ به این سؤال گفتیم خلاصه کنیم باید گفت:

اولاً، اعتماد توده مردم به حکومت در حال کاهش است و جنبش توده‌های کارگری و دهقانی و حرکات اعتراضی محرومان شهری بصورت مطالباتی و اعتراضی به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر ادامه و گسترش خواهد یافت. این امر از سنگبیری عمومی حکومت ناشی می‌شود. ثانیاً، حکومت از دست زدن به اقدامات بنیادین خودداری می‌کند و احتمال انجام آنها در آینده نیز در حال کاهش است. اما حکومت هنوز می‌کوشد با حربه تبلیغات پرهیاهو و انجام اقدامات و اصلاحات جزئی مانع از کاهش سریع حد اعتماد مردم و جبهه‌گیری متقابل توده‌های وسیع خلق در برابر حکومت گردد. حکومت نیاز دارد که مردم را نسبت به بهبود شرایط زندگی خود و تلاش "مادقانه" جمهوری اسلامی در این راه امیدوار نگاه دارد.

در چنین شرایطی وظیفه ماست که:

۱- "اولاً" - به توده‌های وسیع خلق هرچه وسعتر نشان دهیم و بگوئیم که اقدامات حکومت جزئی و بی‌اهمیت است و نمی‌تواند وضع آنان را تغییر دهد. ما اقدامات مثبت را هر قدر هم کوچک باشد هرگز نه تنها تخطئه نخواهیم کرد بلکه از آنها سراجاً حمایت خواهیم کرد. اما در عین حال اجازه نخواهیم داد که هیاهوی بسیار برای هیچ به راه بنیادین توده مردم را گمراه و به توهم دچار سازند. باید به توده‌های خلق کمک کرد ارزیابی و شناخت واقع بینانه‌ای از حکومت داشته باشند.

ثانیاً - باید توده‌های خلق را - هر کجا که هستند بسیج کرد که بخواسته‌ها و مطالبات خود را عنوان و در راه تحقق آن مبارزه کنند. این مبارزه باید نه تنها توده کارگران و دهقانان بلکه توده محرومان شهری و اقشار وسیع روشنفکران خلقی، توده زنان و جوانان و اهرم در بزگردد. کوشش در راه رفع ستم ملی در کردستان و هدایت مبارزه توده مردم کردستان اهمیت خاص دارد. این مبارزه اساساً خصالت اعتراضی و مطالباتی دارد. اعتراض به ادامه بی‌هدف جنگ، طرح شعار صلح به عنوان مسئله اصلی، اعتراض به اختناق و شکنجه همراه با مطالبه آزادی زندانیان سیاسی و رعایت حقوق و آزادیهای قانونی، مبارزه در راه براندازی بزرگ مالکی و مهار لحام گسیختگی سرمایه‌داری، بویژه بسیج توده‌های خلق برای اعمال فشار از پایین برای گذرانیدن قوانین مترقی و اجبار حکومت به تمکین به خواسته‌ها و مطالبات مردم محتوای اساسی این مبارزه توده‌ای است. بخاطر داشته باشیم که ما همچنان در راه اجرای اصول مردمی و ترقیخواهانه قانون اساسی مبارزه می‌کنیم که در شرایط کنونی افشاه و طرد سیاست راست حاکم بر جمهوری اسلامی ایران یک پیش شرط لازم و ضروری برای آنست.

ثالثاً - ما به توده‌های خلق خواهیم آموخت که چاره آنها در وحدت و تشکیلات است. چه سازمانهای سیاسی و چه صنفی و سندیکایی و یا سایر سازمانهای توده‌ای. ما یک لحظه هم رهنمود لنین را فراموش نخواهیم کرد که کار سیاسی و تشکیلاتی در میان توده‌های وسیع خلق اساس کار و فعالیت و مبارزه هر انقلابی راستین است. آنچه بسیار مهم است آنست که در این پیکار توده‌ای و بطور کلی در هر گام از مبارزه انقلابی فراموش نکنیم که تمام این کارها تنها وقتی می‌تواند از لحاظ استراتژیک شریخش باشد که هدفش ایجاد و گسترش سازمانهای سیاسی، سندیکایی، توده‌ای و مستقل باشد و سازمانهایی که سیاست و برنامه مستقل و انقلابی طبقه کارگر را راهنمای عمل خود قرار می‌دهد. بدون اینکار در نهایت حاصل تمام مبارزات ما یا برهادر خواهد رفت و یا در جهت منافع سایر طبقات جامعه شمر خواهد داد. و در حال به آرمان سوسیالیسم خدمت نخواهد کرد.

برای همه رفقای فدایی و توده‌های و همچنین برای دیگر نیروهای راستین مدافع انقلاب استقامت روزانوز و موفقیت بیشتر و اتحاد و فشرده‌گی صفوفشان را آرزو می‌کنم. امیدوارم در آینده نیز بتوانیم از طریق تکرار این گفتگوها و انتشار آنها و از هر طریق ممکن دیگر، علمبرم تمام تضییقات اختناقی موجود با مردم مهربان خود گفتگو کنیم و اجازه ندهیم حقایق پنهان نگاهداشته شوند. پیروز باشید.

مسائل انقلاب و مواضع ما:

بقیه از صفحه ۹

در یکسال اخیر در موارد بسیاری دهقانان در برابر یورش خشونت آمیز و سرکوبگرانه اربابها و عمال آنها برای پس گرفتن زمین از خود طاقتی جانانه و حماسی نشان داده اند. آنها در موارد زیادی با خطر انداختن جان خود و خانواده هایشان و با به جان خریدن شکنجه و غلظ و زندان جلوی گشت زمین توسط اربابها را گرفته اند. آنها به تجربه درمی یابند که باید متشکل شوند و متحد گردند. اشکال توده های مبارزه گذشته را با اشکال موثرتر تکمیل کنند. آنها درمی یابند که باید با تکیه به نیروی توده های خود، حق خود را از حلقوم دشمنان مردم بیرون بکشند.

تمام مردم، نیروهای انقلابی، اعم از مسلمانان مبارز یا انقلابیون فدائی و توده های باید با استفاده از تمام امکانات بزرگ و کوچک خود مبارزه در راه بزرگ مالکی این لکه تنگ و عامل عقب ماندگی کشور را گسترش دهند. اصلاحات ارضی مسئله ای نیست که بتوان از آن چشم پوشید. باید شوراهای و اتحادیه های واقعی دهقانی را گسترش داد. باید دهقانان و همه توده مردم را برای اعمال فشار بر حکومت بسیج کرد و جلوی سیاستهای راستگرایانه و ضد دهقانی را گرفت و سیاست روستاویران کن و دهقان برانداز کنونی را افشا کرد و با شکست مواجه ساخت. اکنون که حکومت سیاست گرفتن زمین از دهقانان و سپردن آن به بزرگ مالکان را برپیش گرفته است، وظیفه هر فرد انقلابی است که در راه افشا و شکست این سیاست و تحقق شعار اصلاحات ارضی بنیادین و از بن برکندن بزرگ مالکی و نابودی تمام آثار منحن نظام اربابی مبارزه خود را تشدید کند و به مبارزه در حال گسترش دهقانان یاری رساند.

توده مردم زحمتکش در شهرها، بویژه در تهران هر روز فشار بیشتری را تحمل می کنند. برخی از مقامات حکومت سعی کرده اند مسئولیت حوادث اخیر افسوسه را برعهده گروهکها بیاندازند، عده ای هم گویندند علت قطع آب و برق را فقط در بی کفایتی برخی مسئولین خلاصه کنند، اما بنظر من اینها همه بی پایه است، با سیاستی که حکومت دنبال می کند و راه چاره هایی که انتخاب کرده گسترش بحران در زندگی شهری و گسترش موج اعتراض توده های وسیع مردم زحمتکش اجتناب ناپذیر است. ریشه اعتراض مردم افسوسه را باید قبل از اینکه در بی کفایتی مسئولان یا نوظف ضدانقلاب جستجو کنیم باید در تشدید وخامت زندگی روستائیان و خانه خرابی آنها، در تشدید غارت بی امان کلان سرمایه داران و تورم و گرانی برسام آور، در سیاست ادامه جنگ و بر باد دادن ثروت های ملی در راه هدنهای پوچ، در سیاست درهای باز و فشار روزافزون انحصارات امپریالیستی بر تولیدگران داخلی، بویژه صاحبان سرمایه های خرد جستجو کرد.

حکومت اهداف متناقضی را دنبال می کند. جریان حاکم از یکطرف تصمیم گرفته است بند ج و د را اجرا نکند، جلوی دولتی شدن بازرگانی خارجی را بگیرد، راه نزدیکی با امپریالیسم و بازکردن دروازه های کشور را در پیش گیرد و از سوی دیگر خیلی مایل است که اعتماد مردم نسبت به خود را حفظ کند و آنان را پشتیبان حکومت نگاهدارد. اینها با هم جور در نمی آید. نتیجه سیاستهای حکومت به ناگزیر وخامت بیشتر زندگی توده زحمتکشان است، این نتیجه ناگزیر ادامه رشد سرمایه داری و گرایش به غرب است. دهها نمونه در کشورهای که این راه را ادامه داده اند در آمریکای لاتین در آسیا و دیگر جاها وجود دارد که حاصل آن تشدید اعتراضات مردم و تشدید بی اعتمادی آنان نسبت به حکومت بوده است. ممکن است بخش وسیعی از مردم هنوز ندانند که چرا هر روز عرصه بر آنان تنگتر و فشار زندگی بردوش آنان بیشتر می شود، اما این فشارها لاجرم، اعتراضات توده ای را دامن می زند.

بنظر من و بنابه تمام شواهد عینی در روحیات و گرایشات توده های وسیع خلق چه کارگران، چه دهقانان و توده زحمتکشان شهری و صاحبان سرمایه های خرد و ریز نسبت به حکومت تغییرات

بقیه در صفحه ۱۴

هیاتهای ۷ نفره و نیروهای مدافع انقلاب در حکومت سیاست اصولی و انقلابی ارضی ما و اهمیت حیاتی آنرا برای حفظ انقلاب درک و مبارزه خود را تقویت کنند. ما نیروهایی را که امروز وعده های خود به مردم را فراموش کرده اند به مردم می شناسانیم و خطرات ناشی از معاشات در برابر مخالفین اصلاحات بنیادین ارضی و شانه خالی کردنها از زیر بار مسئولیت تاریخی آنها را افشا کرده ایم و خواهیم کرد. هیاتهای هفت نفره که امروز در عرض هجوم حکومت قرار گرفته اند، ما با بسیج دهقانان به حمایت از آنها و با دادن تصویر روشن از اقدامات اصولی، به آنها کمک کرده ایم و خواهیم کرد تا در مقابل مخالفان انقلاب ایستادگی کنند. زمانی که اجرای بندج قانون مصوبه شورای انقلاب به بهانه جنگ بولی در واقع زیر فشار راستگرایان به دستور امام متوقف شد، با صراحت تمام خواستار لغو این دستور شدیم. در تمام کشور و با صدای رسا اعلام کردیم که این دستور به زیان انقلاب و به سود ضدانقلاب است. اکنون نیز که شرایط تغییر یافته است و حکومت جانب بزرگ مالکین را گرفته است، از خواستهای دهقانان، در حمایت فعال از مبارزات توده های آنها و در راه جلب حمایت کارگران و زحمتکشان شهر از دهقانان، به هر شکل ممکن دفاع خواهیم کرد.

مستأفانه پیروهای مدافع انقلاب در حکومت در تمام زمینه ها و بویژه در مورد اصلاحات ارضی، گام به گام در برابر امپریالیسم و ضدانقلاب و راستگرایان، عقب نشینی کرده اند. در یک مرحله بندهای ج و د را متوقف کردند. در مرحله بعد سرو دم آنرا زدند و قانون احیا و واگذاری ارضی جانشین آن شد. در مبارزه برای اجرای قانون مصوب شورای انقلاب، علیرغم خواست دهقانان، هیاتهای هفت نفره و هواداران سوسیالیسم زمانی که این قانون بویژه ماده ۶ این طرح مباحثات حادی را در مجلس دامن زده بود، دومین عقب نشینی بزرگ خود را انجام دادند. با تأیید عملی لغو این قانون توسط شورای نگهبان قانون اساسی، عقب نشینی خود را تکمیل و دهقانان را ناامید کردند. اکنون تا به آنجا در برابر راستگرایان تسلیم شده اند که خود را به حل مسئله زمین در چارچوب قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی دلخوش کرده اند. تصادفی نیست که پس از این عقب نشینی های مکرر و بویژه پس از صدور پیام هشت ماده ای امام خمینی ظافوتیان فراری، و ملاکین بزرگ، خانها و فئودالها به کمک دادگاههای انقلاب برای بیرون آوردن زمین از چنگ دهقانان هجوم بیاورند. اما با این حال دهقانان از خود ایستادگی نشان می دهند. و در مقابل هانها به کمک ایادی خود در دستگاه قضایی کشور آنان را به زندان می اندازند. مسئله استرداد زمینها و زندانی شدن دهقانان بعدی گسترش یافته است که حتی برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم نتوانستند در برابر این همه ظلم و بیادگیری سکوت کنند.

حکومت درباره خودکفایی و شکوفایی اقتصاد کشاورزی شعار می دهد. ولی واقعیت تماما خلاف آنرا اثبات می کند. تشدید مهاجرت روستائیان به شهرها، گسترش فقر، بیسوادی اهالی روستاها، کاهش مرتب تولیدات کشاورزی، افزایش مرگ و میر در روستاها عوارض سیاست کنونی حکومت است. و همه نشان می دهند که حرف و شعار یک چیز و عمل چیز دیگری است درست برخلاف آن.

اکنون مرتجعین می خواهند دستاورد مبارزات چندین ساله دهقانان را هم از آنها بگیرند و در مقابل دهقانان از خود می پرسند چرا در عوض فدakarهایی بشمار در راه حفظ حکومت و تقدیم بهترین شهید در جنگ، باید زندانی شوند و زمینهایشان را از آنها بگیرند؟ آنها حق دارند در جستجوی کسانی باشند که به آنها خیانت نکنند و آرزوهای دیرینه آنها را برآورده سازند. آنها نخواهند گذاشت آنچه را با مبارزه بدست آورده اند، بسادگی از آنها بگیرند. دهقانان یقیناً به مقاومت خود می افزایند و بانک اعتراض خود را بلندتر خواهند کرد. وقتی روشهای امروزین مبارزه ثمر ندهد، آنها به ناگزیر به روشهای جدید مبارزه روی می آورند.

هیئت‌های نمایندگی جنبش دمکراتیک عراق و کمسیون ارتباطات سندیکایی زحمتکشان ایران: "به این جنگ بی سرانجام پایان دهید!"

در اوایل آبان ماه، هیأت نمایندگی جنبش دموکراتیک عراق با کمسیون ارتباطات سندیکایی زحمتکشان ایران دیدار و گفتگو کرد. در این نشست، دو هیأت نمایندگی پس از بحث و تبادل نظر در بارهٔ اوضاع دو مملکت و به خصوص جنگ ایران و عراق، اعلامیه ای صادر کردند.

در این اعلامیه مشترک، پیرامون لزوم پایان دادن به جنگ فرسایشی بین ایران و عراق آمده است:

"بیش از سه سال است که از حمله صدام حسین به ایران می‌گذرد و این جنگ خانمان-پرانداز هنوز هم ادامه دارد. صدام مهاجم در برابر خلق ایران و به خصوص وحدت طبقه کارگر نتوانست ایستادگی کند، ناچار به عقب نشینی شد و نقشه‌های شومش شکست خورد. با وجود چنین وضعی، جنگ به حالت فرسایشی ادامه دارد و هر لحظه می‌تواند مبدل به جنگ منطقه‌ای گردد و زمینه را برای مداخله مستقیم نیروهای واکنش سرخ آمریکا فراهم سازد."

سوسی با اشاره به تعداد زیاد کشته شدگان این جنگ، که ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر و زخمیان آن که ۲۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود - و خسارات مالی ده‌ها میلیارد دلاری تصریح می‌شود که:

"جنگ بین عراق و ایران موجب تقویت مواضع امپریالیسم، به خصوص آمریکا، صهیونیسم و نیروهای ارتجاعی در خاورمیانه شده و صلح جهانی را تهدید می‌کند."

دو طرف در اعلامیه به موضع نیروهای دمکراتیک ایران و عراق، که از ابتدا تهاجم صدام به ایران را محکوم کرده و مخالفت خود را

و خیم آن به خصوص متوجه طبقه کارگر است. در چنین شرایطی، مبارزان کارگری و سندیکایی سه رهبری جنبش دموکراتیک زحمتکشان عراق، برای احقاق حقوق خود در چار چوب نبرد عمومی خلق عراق، برای استقرار یک دولت دموکراتیک ائتلافی، خود مختاری واقعی کردستان و صلح مبارزه می‌کنند.

در ایران: راستگرایان، نیروهای افراطی و قشریون، مواضع کلیدی حکومت را در تیسام سطح تسخیر کرده، موجب تقویت افراطیون و توسعه طلبان شده و رژیم را به سمت راه‌سرمایه داری با همکاری امپریالیست‌ها هدایت می‌کنند.

وضع خراب اقتصادی، تورم، افزایش سرخ تعداد بیکاران، عوارض نکبت بار جنگ و غارت بی بند و بار سرمایه‌داران موجب افزایش وسیع نارضایتی توده‌ها شده است.

مدت مدیدی است که رژیم ایران سیاست سرکوب و اختناق را دنبال می‌کند. هزاران مبارز ضد امپریالیست زندانی و شکنجه و اعدام شده‌اند. در اوایل اسما، تعرض و رودرویی مستقیم رژیم علیه نیروهای انقلابی جنبش کارگری و سندیکایی، به طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافته است. طی یکسال اخیر، ده هزار مبارز کارگری و سندیکایی زندانی شده و شکنجه دیده‌اند. زندگی هزاران نفر از این مبارزین در خطر است. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگران ایران غیر قانونی اعلام شده است. سازمان‌های بقیه در صفحه ۱۳

با ادامه توسعه طلبانه جنگ توسط ایران اعلام داشته‌اند، اشاره شده است و این هیأت هم-چنین "پایان جنگ و برقراری صلح واقعی در جهت منافع مشترک مردم ایران و عراق" را خواستار شده است.

در ادامه اعلامیه می‌خوانیم:

در عراق: سیاست ضد توده‌ای و دیکتاتوری رژیم صدام حسین، مملکت را به سوی یک بحران عمومی سوق داده و پررؤازی پرورکراتیک و طفیلی را بیش از پیش تقویت کرده است. چنین سیاستی بر مبنای اختناق بیرحمانه علیه نیروهای دموکراتیک دنبال می‌شود. این سیاست فاشیستی به همراه ترورهای سیاه و اعدام‌های فوری انجام می‌گیرد. پی آمد چنین سیاستی، جز توسل به جنگ از طرف رژیم صدام حسین چیز دیگری نبوده است.

در زمینه سندیکایی: رژیم دست به بست مبارزه بیرحمانه‌ای علیه حقوق سندیکایی و تمام دستاورد های اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان زده و اکنون هم ادامه می‌دهد. حتی اعصاب هم مانند سایر حقوق زحمتکشان زیر پا گذاشته شده است. ارگان‌های اجرائی سازمان‌های سندیکایی کنونی تحت نظارت و هدایت سازمان امنیت عراق بوده و از رژیم دیکتاتوری فرمانبرداری می‌کنند.

پارک‌ر شکن جنگ و بحران عمومی پر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند: ۶۰٪ زحمتکشان به جبهه جنگ فرستاده شده‌اند. دستمزدها دائما در حال نزول است و حال آنکه تورم به میزان ۵۰٪ افزایش یافته است. خلاصه اینکه زندگی به طور وحشتناکی خراب می‌شود و عواقب

تحت فشار چه ملاحظاتی سکوت اختیار کرده‌اند، چه نیرویی در حاکمیت ج ۱۰ مانع از اظهار نظر آزادانه نمایندگان مجلس می‌شود، چه کسانی آبرو و حیثیت نمایندگان انقلابی را تهدید می‌کنند، چه کسانی مانع انتخاب دو باره نمایندگان می‌شوند که از انقلاب پشتیبانی می‌کنند، پاسخ روشن از طرف انتقاد کنندگان داده نمی‌شود!

این مخالفت خوانی‌های پوشیده و رمز آلود اقلیت دنباله رودر حاکمیت، قادر به شکستن بن بست حاکمیت نیست. ائتلاف راستگرایان و تسلیم‌شدگان (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - روحانیت مبارز تهران - حزب جمهوری اسلامی) نتیجه انتخابات آینده را تعیین خواهند کرد، و یا تغییر قاطعتر تناسب قوا به سود آنان، رونسند مسخ انقلاب نیز، شتاب بیشتری خواهد گرفت. اما سخن آخر را نیروهای وفادار به آرمان های انقلاب، نیروهای جبهه متحد خلق، و مردمی که بیش از پیش از حاکمیت روی بر می‌گردانند و به آنان روی می‌آورند خواهند گفت.

چرخش به راست حاکمیت تثبیت می‌شود!

نیه از صفحه ۶
خصیت با نفوذی چون آیت الله العظمی نظری هشدار می‌دهند:

"نمایندگان محترم در مورد آنچه که لازم و بوط به انقلاب و نظام اسلامی است، نیاید. مامحه یا ملاحظه‌ای کنند. اسلام و انقلاب از ام سایل و ملاحظاتی دیگر مهتر و بزرگتر مت و نمایندگان اگر احساس کردند که باید آبرو بیثیت خود را هم فدای اسلام و انقلاب باید بکنند، را این فکر نباشند که دو مرتبه انتخاب شوند یا نه" (راد یو ایران - ۳۱ آذر ۶۲).
این دعوت پوشیده به مخالفت با است راست هنوز از محتوای راستین انقلابی، هی بخشی به توده‌ها و بسیج آنان علیه نمسان انقلاب، تنبی است. به این حال ها که نمایندگان مردم

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در سانفرانسیسکو هزینه جاب این شماره "راه توده" را تأمین کردند

الف م م از انگلستان ۴۰ پوند
رفیق مسافر ۲۵ پوند

RAHE TUDEH
No. 70
Friday, 2. Dez. 83

Address: Winfried Schwarz Markgrafenstr. 13 6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
France	Fr. U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.